

# مسئله آزادی در سیاستگذاری نظام اسلامی

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره مسلسل: ۱۳۲۶۵

آبان ماه ۱۳۹۲

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۳	فصل اول - مفهوم آزادی
۳	الف) معنای لغوی
۳	ب) معنای اصطلاحی
۲۰	ج) لزوم محدودیت برای آزادی
۲۴	فصل دوم - انواع آزادی
۲۶	الف) آزادی‌های فردی
۳۰	ب) آزادی‌های مدنی
۳۸	ج) آزادی‌های سیاسی
۴۱	فصل سوم - جایگاه آزادی در سیاست‌ها
۴۱	قانون اساسی و آزادی
۵۶	نتیجه‌گیری
۵۸	منابع و مأخذ



## مسئله آزادی در سیاستگذاری نظام اسلامی

### چکیده

نوع نگاه به آزادی و ابعاد گوناگون آن در سیاستگذاری حکومت‌ها نقش اساسی دارد. در تفکر برخی از اندیشوران غربی، انسان و اراده او اصالت دارد و لذا اصل با آزادی است و تنها محدودکننده آزادی نیز آزادی دیگران است. اندیشوران اسلامی ضمن پذیرش اراده و اختیار انسان، اراده او را در سایه اراده الهی تبیین کرده و از همین رو نیز ضمن پذیرش کرامت و آزادی انسان، آن را توأم با مسئولیت در برابر خداوند متعال قلمداد کرده‌اند. آزادی‌های حقوقی (سیاسی - اجتماعی) که در حیطه تعاملات افراد با یکدیگر و نیز حکومت با افراد حائز اهمیت بوده، بیشتر ازسوی سیاستگذاران حکومت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. از آن جا که مطابق اصل چهارم قانون اساسی تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشند، در اصل دوم قانون اساسی کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند که ملهم از تعالیم اسلامی است به رسمیت شناخته شده و این مهم در تدوین قوانین و مقررات و سیاست‌های کلی نظام مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است.

### مقدمه

انسان آفریده مختار خداوند است و این ویژگی، ذهن او را به مسئله آزادی در حوزه حقوق عمومی و خصوصی هدایت می‌کند. در حوزه انسان مسئله آزادی به قدری اهمیت دارد که می‌توان از آن به‌عنوان «تکیه‌گاه حقوق فردی» یاد کرد. بر این اساس قانونگذاری و سیاستگذاری در هر نظامی متأثر از نوع نگاه سیاستگذاران نسبت به انسان و آزادی خواهد بود. از آنجا که انسان متعلق به آزادی است، تفاوت در نگاه به ماهیت و غایت او ازجمله مهمترین دلایل فقدان اتفاق‌نظر در تعریف آزادی و محدوده آن به‌شمار می‌رود. در ورود به بحث آزادی در سیاستگذاری عمومی لازم است مهمترین دیدگاه‌ها در مورد انسان و ماهیت او مورد اشاره قرار گرفته و بر این اساس آزادی او مورد تبیین قرار گیرد.

برخی معتقدند جوهر آدمی قائم به ذات است و ازاین‌رو انسان را تعیین‌کننده ارزش‌ها و

هدف‌هایی دانسته‌اند که آزادانه آنها را خواسته است. در نتیجه تنزل انسان در حد یک شیء در عداد اشیای دیگر را بدترین نگاه و برخورد با انسان می‌دانند. زیرا این نگرش تعاملی با انسان به نحوی نادیده گرفتن قائم به ذات بودن اوست.<sup>۱</sup>

در این نظریه، انسان غایت بوده و از این رو هرگونه قالب‌گیری برای رفتار انسان و نظارت بر او، انکار انسانیت به حساب خواهد آمد. در اندیشه لیبرال، آزادی یگانه پایه و اساس انسانیت به‌شمار می‌رود و در جایگاه ممیز منطقی انسان قرار می‌گیرد. بر این اساس هرچه آزادی بیشتر باشد، کمال آدمی بیشتر و انسانیت کامل‌تر است.<sup>۲</sup> سیاستگذاری در نظام‌هایی که متأثر از این نظریه باشند بدون ارزشگذاری نیک و بد مبتنی بر خواست و میل مردم بوده و اغلب تابع مطلق از خواست و اراده و میل مردم است. در این نظام‌ها، محدودیت‌های آزادی نیز تا آنجا خواهد بود که با خواست و میل و اراده دیگران تعارضی نداشته باشد. به‌عبارت دیگر، آزادی هرکس تا حدی خواهد بود که مزاحم آزادی دیگران نباشد. این نظریه بر سیاستگذاران نظام‌های غربی سیطره دارد که در بخش‌هایی از این گزارش مورد بررسی قرار خواهد گرفت و انواع آزادی از قبیل آزادی‌های فردی و اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و نیز محدودیت‌های آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

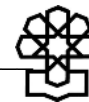
در اندیشه اسلامی انسان تشخیص‌دهنده ارزش‌هاست و نه تعیین‌کننده آنها. از این جهت انسان در این نظریه با کسب ارزش‌هاست که ارزش می‌یابد و هرگز خود انسان غایت نیست. برای تبیین مسئله آزادی در نظام جمهوری اسلامی ایران، ناگزیر باید انسان را مورد توجه قرار داد. انسان در اسلام جانشین خداست.<sup>۳</sup> بر این اساس آزادی برای انسان، کمال وسیله‌ای است نه هدفی. یعنی هدف انسان خود آزادی نیست، بلکه او باید آزاد باشد تا به کمال الهی برسد. پس ارزش آزادی انسان در مسیر کامل شدن قرار دارد، به‌گونه‌ای که انسان بتواند در سایه آن به رشد و سعادت و کمال نهایی خود در مسیر تکامل و حرکت به سمت خدا برسد.

در این بخش از گزارش، نظریه اسلامی در خصوص آزادی مورد بررسی قرار گرفته و انواع آزادی از جمله آزادی‌های مدنی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و محدودیت‌های هر یک و نیز جایگاه آزادی در قانونگذاری و سیاستگذاری نظام جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه در قانون اساسی و نیز سیاست‌های کلی نظام تبیین شده است.

۱. آیزایا برلین، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷.

۲. آیزایا برلین، پیشین، ۳۳۱.

۳. سوره بقره، آیه ۳۰.



## فصل اول - مفهوم آزادی

### الف) معنای لغوی

آزادی از واژه اوستایی «آزاته» یا واژه پهلوی «آزاتیه» گرفته شده است.<sup>۱</sup> در لغتنامه دهخدا، ذیل واژه آزادی، معانی متعددی بیان شده‌اند. از جمله عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی، خلاصی، آزادمردی، شادی، خرمی، خشنودی و رضا.<sup>۲</sup>

در زبان عربی، آزادی معادل واژه «حریت» است. این واژه در قرآن، در معانی مختلفی به‌کار رفته است. از جمله آزاد کردن برده و بنده، رهایی از تعلقات دنیوی.<sup>۳</sup> در لسان‌العرب، «حرّ» به معنای ضد برده و کسی که آزاد است به‌کار رفته و «حرّیه» در مورد کسی به‌کار رفته که خالص‌ترین و با شرافت‌ترین افراد قومش باشد.<sup>۴</sup>

در لغتنامه‌های انگلیسی معنای آزادی را می‌توان ذیل دو واژه Liberty و Freedom به‌دست آورد: برای Freedom معانی مختلفی بیان شده است. از جمله آزادی و رهایی از زندان، قدرت یا حق انجام کاری و گفتن سخنی به‌گونه دلخواه بدون اینکه کسی او را از انجام آن باز دارد، اجازه انجام دادن کاری بدون هیچ محدودیتی، حالت درونی که انسان در خود احساس می‌کند که می‌تواند کار دلخواه خویش را انجام دهد، حالتی روانی که انسان در خود احساس می‌کند که زیر عامل فشار درونی یا بیرونی نیست. در معنای واژه Liberty نیز آزادی از قیدوبندهای بیش از حدی که قدرت حاکم بر زندگی تحمیل می‌کند، برده و زندانی نبودن، حق یا قدرت انجام کاری که شخص آن را برگزیده، بیان شده است.<sup>۵</sup>

### ب) معنای اصطلاحی

#### ۱. آزادی در اندیشه غربی

در ارتباط با آزادی بیش از دویست معنا ضبط و شناسایی شده است.<sup>۶</sup> یکی از معانی شایع آن،

۱. عبدالهادی حائری، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴، ص ۹.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۳.

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۲۲۴.

۴. ابن منظور، لسان العرب، الدار المصریه للتألیف و الترجمة - القاهرة، ج ۴، ص ۱۸۵.

5. The new shorter Oxford English Dictionary, Edition 1993, p 1023, 1578.

۶. آیزایا برلین، پیشین، ص ۴۶، ۲۳۶.

فقدان موانع برای تحقق آرزوهای انسان است و شایع‌تر از آن فقدان منع و جلوگیری است.<sup>۱</sup> افلاطون در توصیف شهر مطلوب خود گفته «پیش از هرچیز مشاهده می‌شود که در این شهر همه آزادند و همه‌جا پر از آزادی است و هرکس آنچه بخواهد می‌گوید و هر کاری که موافق میلش باشد انجام می‌دهد».<sup>۲</sup> از دیدگاه ارسطو آزادی به آزاد بودن طبقه اشراف مربوط می‌شود.<sup>۳</sup> آزادی، قدرت یا اختیار انجام دادن چیزی دانسته شده که آدمی خواسته باشد فارغ از مداخله دیگران انجام دهد.<sup>۴</sup> براساس این نظریه، انسان زمانی آزاد تلقی می‌شود که آزادانه بیاندهد، آزادانه سخن بگوید، آزادانه عمل کند و در انتخاب عقیده و ابراز آن آزاد باشد و در صحنه سیاست و جامعه کسی او را مجبور نکند.<sup>۵</sup> ازسویی نبودن مانع برای اوضاع و شرایط اجتماعی از دیگر تعاریف آزادی است.<sup>۶</sup>

از دید هابز آزادی در مفهوم صحیح فقدان مخالفت است. او معتقد است براساس این معنا از آزادی، انسان آزاد کسی است که می‌تواند با تکیه بر قوت و دانش خود، عملی انجام دهد و بدون آنکه مواجه با مانعی باشد آنچه را که می‌خواهد بتواند انجام دهد.<sup>۷</sup>

جان لاک گفته آزادی انسان در طبیعت اوست که قدرتی بالاتر در زمین بر او فرمانروا نباشد و او تابع قانون و اراده کسان دیگر نباشد و تنها قانون طبیعت بر او حکومت کند. وی باور دارد که آزادی انسان در اجتماعی است که زیر فرمان هیچ نیروی حاکم و قانونگذاری نباشد، مگر آنچه با توافق و رضایت او برقرار شده است. یعنی زیر اراده هیچ سلطه‌ای نباشد، جز آنچه نیروی قانونگذار به موجب وکالتی که از او یافته، بیان کرده باشد.<sup>۸</sup>

سر رابرت فیلمر گفته «آزادی آن است که هرکس هرچه می‌خواهد انجام دهد، هرگونه که می‌خواهد زندگی کند و تحت سلطه هیچ قانونی نباشد».<sup>۹</sup> لاک در نقد این مفهوم گفته آزادی انسان آن است که برای زندگی خود، قاعده و قانون استواری داشته و برای همه اعضای جامعه یکسان باشد و توسط قدرت قانونگذاری جامعه برپا شده است. در اندیشه لاک، آزادی آن است که هرکس برای تعقیب خواسته‌های خود در چارچوب قانون حرکت کند و تابع خواسته‌های بی‌ثبات، متزلزل،

۱. فرانتس نویمان، آزادی، قدرت و قانون، عزت‌ا... فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۶۸.

۲. افلاطون، جمهور، فواد روحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۴۷۸.

۳. ارسطو، سیاست، ترجمه شیخ‌الاسلامی، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۳۸، ص ۲.

۴. آنتونی کوئین: فلاسفه سیاسی، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، نشر بین‌المللی هدی، ۱۳۷۱، ص ۳۶۴.

۵. همان، ص ۲۸۱.

۶. هرلد لاسکی، آزادی در دولت امروز، ص ۱۸۵.

۷. هابز، توماس. لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۸. جان لاک، آزادی فرد و قدرت دولت، ترجمه دکتر محمود صناعتی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۵۸.

۹. جان لاک، رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷، ص ۸۹.



نامعلوم و مستبدانه دیگران قرار نگیرد. یعنی همان‌طور که آزادی طبیعت محدودیتی جز قانون طبیعت ندارد، این مفهوم از آزادی سد راه بشر نیست.<sup>۱</sup>

تأکید جان لاک بر آزادی فرد، هرچند به‌لحاظ نظری مشکل استیباد را در رژیم‌های سیاسی حل می‌کند، اما به‌نوبه خود مشکلی دیگر را تولید خواهد کرد. این مشکل وضعیتی است که به هنگام تعارض منافع فردی و جمعی یا فرد و جامعه پدید می‌آید. لذا دغدغه اصلی ژان ژاک روسو را تشکیل می‌دهد. روسو گرچه به آزادی برای فرد باور داشت، اما نگرانی او از آن جهت بود که مبادا پیگیری منافع فردی، جامعه را فرو کشد و آن را تابع منافع فرد کرده و نابود سازد یا اینکه جامعه را از تأمین زندگی اخلاقی انسان‌ها باز دارد.<sup>۲</sup> روسو برای حل این مشکل، مفهوم اراده عمومی را مطرح می‌کند. از نظر او اراده عمومی، حکمران اصلی جامعه است که براساس آن، جامعه سیاسی شکل می‌گیرد و همگان باید از آن اطاعت کنند. به عقیده وی وقتی اراده عمومی حکمران باشد همه اراده‌های خاص باید با آن هماهنگ شوند.<sup>۳</sup> روسو معتقد است همه افراد بشر آزاد و مساوی آفریده شده‌اند و کسی که از آزادی صرف‌نظر کند از مقام آدمیت، حقوق و حتی از وظایف بشریت صرف‌نظر کرده است و هیچ عاملی نمی‌تواند این خسارت را جبران کند.<sup>۴</sup> از این‌رو، روسو عامل سعادت و نیکبختی انسان را در آزادی تمام‌عیار او می‌داند.<sup>۵</sup>

اندیشه‌های جان استوارت میل درباره آزادی و دریافت مفهوم جدید از آن، تأثیر بسیاری در غرب داشته است. او باور دارد آزادی حقیقی آن است که انسان آزاد باشد تا بتواند منافع خود را به هر راهی که می‌پسندد تعقیب کند به شرطی که در ضمن این تعقیب نکوشد تا به منافع حقیقی دیگران لطمه وارد سازد یا از کوشش آنها برای تحصیل منافی که با مصالح مشروع فرد اصطکاک دارند، جلوگیری به عمل آورد.<sup>۶</sup>

هارت در ترسیم مفهوم آزادی از اختیار در باب تصمیم‌گیری و عمل سخن می‌گوید، به‌گونه‌ای که انسان بتواند تصمیم بگیرد و آن را اجرا کند. او باور دارد برخورداری از اختیار تصمیم‌گیری و عمل مقوله‌ای است که هر انسان برای بهتر کردن وضع مادی و معنوی خود نیازمند آن است.<sup>۷</sup> موریس کرنستون در یک جمع‌آوری کوتاه و مفید، برخی از دیدگاه‌ها را درباره آزادی بیان

۱. همان.

۲. عبدالرحمن عالم، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳. همان، ص ۳۵۴.

۴. ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، مرتضی کلانتریان، آگه، تهران، ۱۳۸۰، ص ۵۶-۵۸.

۵. جونز، وت. خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۵۷.

۶. جان استوارت میل، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، ج سوم، صص ۵۰-۵۵.

۷. هربرت هارت، مفهوم قانون، محمد راسخ، نشر نی، ۱۳۹۰، ص ۹۱-۱۷۵.

کرده است:<sup>۱</sup>

- دانز اسکوتس:<sup>۲</sup> آزادی کمال اراده است.
- هیوم:<sup>۳</sup> از آزادی می‌توانیم فقط قدرت عمل کردن برحسب تعیین اراده را مراد بگیریم.
- کانت:<sup>۴</sup> آزادی عبارت از هر چیزی جز قانون اخلاقی است.
- لایبنیس:<sup>۵</sup> آزادی، خودانگیختگی عقل است.
- هگل:<sup>۶</sup> آزادی، ضرورت تبدیل شکل یافته است.
- کوهن:<sup>۷</sup> آزادی، نیروی اراده است.
- پاولزن:<sup>۸</sup> آزادی برای انسان، حکومت روح است.
- بونه:<sup>۹</sup> آزادی، قوه‌ای است که با آن، ذهن، اراده‌اش را اجرا می‌کند.
- هایدگر: آزادی عبارت است از مشارکت در افشای آنچه - چنان - است.
- اسپینوزا:<sup>۱۰</sup> انسان آزاد کسی است که تنها به موجب حکم عقل می‌زید.
- شلینگ:<sup>۱۱</sup> آزادی چیزی نیست جز تعیین مطلق امر نامتعیین از طریق قوانین طبیعی ساده هستی.

این مسئله که آیا آزادی مفهوم واحدی دارد یا خیر، مورد اختلاف واقع شده است.

آیزایا برلین گفته آزادی مفهوم واحدی ندارد و در اصل دارای دو مفهوم مثبت و منفی است: مفهوم آزادی منفی در پاسخ به این سؤال مطرح شده که آزادی چیست؟ و کجاست؟ یعنی قلمروی که در محدوده آن شخص یا گروهی از اشخاص آزادی دارند (یا باید داشته باشند) تا بدون دخالت دیگران آنچه را بخواهند عمل کنند یا آنچه می‌خواهند باشند.<sup>۱۲</sup>

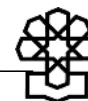
مفهوم آزادی مثبت در پاسخ به این سؤال طرح شده منشأ کنترل یا نظارت که می‌تواند کسی را وادار سازد که به طرز خاص عمل کند یا به شکل معین باشد، چیست و کجاست؟<sup>۱۳</sup> دغدغه اصلی این نوع آزادی مداخله یا عدم مداخله در فعالیت‌های فردی نیست، بلکه خودگردانی و ارباب خود

۱. موریس کرنستون، تحلیل نوین از آزادی، ترجمه جلال‌الدین اعلم، سپهر، تهران، ۱۳۵۹، ص ۳۰.

2. Duns Scots  
3. Hume  
4. Kant  
5. Leibniz  
6. Hegel  
7. Cohen  
8. Paulsen  
9. Bonnet  
10. Spinoza  
11. Schelling

۱۲. آیزایا برلین، پیشین، ص ۲۳۶.

۱۳. همان، ص ۲۳۶.



بودن در کانون توجه این مفهوم از آزادی قرار دارد.

کسانی معتقدند که آزادی مفهوم واحدی ندارد و از نظر آنها آزادی دارای مفهوم جهانشمول بوده و تمامی چیزهایی که درباره آن گفته می‌شوند باید به نوعی بیان‌کننده این مفهوم باشند. آزادی در این مفهوم سه عنصر دارد: آزادی به معنی رهایی از چیزی یا مانعی برای انجام دادن کاری و برخورداری از چیزی است. براساس این دیدگاه آزادی دارای مفهوم واحد است و تفاوت دیدگاه‌ها به اختلاف برداشت‌ها از این عناصر برمی‌گردد.<sup>۱</sup>

برداشت‌های مختلفی که درباره آزادی وجود دارند به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) برداشت‌هایی که بیانگر نظریات مختلف درباره رابطه فرد با جامعه و روابط اجتماعی هستند. با این برداشت معانی زیر از آزادی به دست می‌آیند:

۱. آزادی به عنوان فقدان مانع و رادع،

۲. آزادی به عنوان اختیار و برخورداری از حق انتخاب،

۳. آزادی به عنوان قدرت برخورداری از توان مؤثر و کارآ و به عنوان شأن و منزلت اجتماعی.

ب) برداشت‌هایی که نظریات مختلف درباره طبیعت و سرشت انسانی را در بر می‌گیرند. با این نوع برداشت معانی زیر از آزادی به دست می‌آیند:

۱. آزادی به عنوان خودمختاری و استقلال فردی،

۲. آزادی به عنوان اباحت و اجازه انجام دادن آنچه فرد می‌خواهد،

۳. آزادی به عنوان صاحب‌اختیار و ارباب خود بودن.<sup>۲</sup>

نظرات مختلف در باب آزادی چنین دسته‌بندی می‌شوند:

اول - آزادی آن است که انسان تسلیم و مطیع خواسته‌های خودکامه و بی‌پایان دولت نباشد.

دوم - آزادی چیزی است که انسان تسلیم و مطیع خواسته‌های خودکامه و بی‌پایان هیچ

مرجع اعم از دولت و کارفرما و خویشان یا کسان دیگر نباشد.

سوم - آزادی صرفاً به معنای عدم دخالت حکومت خودکامه نیست و قابلیت برای عمل دارد.<sup>۳</sup>

## ۲. تعریف آزادی در اندیشه مسلمانان

آزادی در اسلام ریشه در اراده و اختیار انسان دارد. فارابی، اجبار و اکراه انسان را در اعمال

1. In Philosophical Review, vol, 76, tim gror, Ibid, p11-14 Mac callum (1967) "Negative and positive freedom".

مک کالوم، به نقل از منصور میراحمدی، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام، قم، ۱۳۸۱، ص ۲۵-۲۷.

۲. منصور میراحمدی، پیشین، ص ۲۸.

۳. گلن تیندر، تفکر سیاسی، ترجمه محمود صدیقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸-۱۰۹.

خویش نفی می‌کند.<sup>۱</sup> از نظر او می‌توان دو معنا را در باب آزادی دریافت کرد:

اول - آزادی به‌عنوان اختیار. او معتقد است چنانچه گرایش انسان به سمت مدرکات خود، ناشی از احساس یا تخیل باشد، اراده نامیده می‌شود و اگر ناشی از رؤیت یا قوه ناطقه باشد، اختیارش می‌نامند. از نظر او این نوع گرایش که اختیار نامیده می‌شود تنها در انسان وجود دارد، اما گرایش ناشی از احساس یا تخیل در دیگر حیوانات نیز وجود دارد.<sup>۲</sup>

دوم - آزادی به‌عنوان فعل خیر.<sup>۳</sup> فارابی افعال خیر را افعالی می‌داند که در حد اعتدال قرار دارند. او آزادی را به‌عنوان یکی از افعال خیر به دنبال تعریف افعال خیر بیان می‌کند. فارابی باور دارد انسان آزاد کسی است که در این حد اعتدال قرار دارد: «از مردم کسانی دارای حسن ظن و اراده ثابت بر انجام نظر خودشانند که به این افراد به سبب شایستگی و عادت، آزاده گفته می‌شود و اگر این دو خصیصه را نداشته باشند آنها را انسان حیوانی می‌نامند. اگر کسی فقط حسن ظن داشته باشد و فاقد اراده ثابت باشد، او را برده طبیعی می‌نامیم».<sup>۴</sup>

از نظر ملاصدرا آزادی آن است که انسان سر در فرمان تن و لذات حیوانی در نیابد و مطیع و فرمانبردار آنها نباشد و بندگی در برابر آزادی آن است که انسان پایبند هوی و هوس و مقهور شهوات باشد. او باور دارد آزادی راستین باید در گوهر آدمی باشد و برحسب غریزه برای نفس حاصل شود. از دیدگاه ملاصدرا، آزادی راستین از راه تعلیم و تربیت به‌دست نمی‌آید، اگرچه تعلیم و تربیت مایه تقویت روح می‌شود. از نظر او آزادی چون با حکمت بپیوندد انسان را قادر می‌سازد که از مادیات رهایی یابد و بر معلومات احاطه پیدا کند. لذا از دیدگاه وی هر نفسی که به امور بدنی ضعیف‌تر و علاقه‌اش به امور عقلی قوی‌تر باشد آزادی‌اش بیشتر است و هر نفسی برعکس آن باشد، عبودیتش زیادتر خواهد بود.<sup>۵</sup>

خواجه نصیرالدین طوسی مدینه احرار را اجتماعی می‌داند که هر شخص در آن اجتماع، از نفس خود مطلق و آزاد باشد. او معتقد است اهل این مدینه مساوی‌اند و یکی بر دیگری تصور برتری ندارد. آنان همگی آزاده و در زمره احرار محسوب می‌شوند و هیچ برتری میان ایشان نیست جز سببی که بر حریت هرچه بیشتر بیفزاید. بنابراین کسی که در حریت جماعت بکوشد و آنان را از دشمن نگاه دارد از جمله ستایش شده‌ترین کسان در نزد ایشان خواهد بود.<sup>۶</sup>

۱. ابونصر محمد فارابی، فصول منتزعه، بیروت، دارالمشرق، ۱۴۰۲ هـ. ق، ص ۳۵ و ۳۶.

۲. ابونصر محمد فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی، طهوری، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۳. ابونصر محمد فارابی، فصول منتزعه، پیشین، ص ۳۶.

۴. ابونصر محمد فارابی، التنبیه علی سبیل السعاده، سیدجعفر آل یاسین، تهران، حکمت، ۱۴۱۲ هـ. ق، ص ۶۰.

۵. ملاصدرا، صدرالمتألهین. الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ هـ. ق، ج ۹، ص ۸۷-۸۸.

۶. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۹۶.



در اندیشه فخر رازی، آزادی به وضعیتی که در آن روح به تمایلات نفسانی اشتیاقی ندارد، گفته می‌شود. یعنی آزادی یک نوع عفت‌گریزی روح است و از طریق عادت و آموزش به دست نمی‌آید.<sup>۱</sup>

از دیدگاه امام خمینی (ره) کسی که گرفتار حب و بغض، نیست، آزاد است.<sup>۲</sup> ایشان معتقدند حق اولیه بشر است که آزاد باشد و آزادانه حرفش را بزند و مستقل باشد.<sup>۳</sup> ایشان در ضمن چند مثال مفهوم آزادی را بیان می‌کنند: «مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزامشان نمی‌کند که شما حتماً باید این عقیده را داشته باشی، کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی».<sup>۴</sup>

از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب، آزادی به معنی آزادی از غیر خداست،<sup>۵</sup> انسان از همه قیود، غیر از عبودیت خدا، آزاد است<sup>۶</sup> و سایر آزادی‌های او در عرصه‌های دیگر نیز بر همین اساس ترسیم می‌شوند. ایشان معتقدند مفهوم آزادی در اندیشه غرب و اسلام از سه جنبه متفاوت است:

اول - در اسلام علاوه بر موانع بیرونی که در غرب به‌عنوان موانع آزادی بیان می‌شود، موانع درونی که ریشه در نفسانیات و هوی و هوس فرد دارند نیز از موانع آزادی محسوب می‌شوند، دوم - ریشه آزادی در اسلام توحید است، حال آنکه ریشه آزادی در غرب، خواست‌ها و تمایلات افراد است.

سوم - در اسلام، قانون که محدودکننده آزادی انسان است، فقط در زمینه مسائل اجتماعی نیست، بلکه شامل مسائل فردی و شخصی و خصوصی انسان هم می‌شود.<sup>۷</sup>

محمدتقی جعفری به‌صورت گسترده به مفهوم آزادی اشاره کرده است. ایشان میان رهایی، آزادی و اختیار، تفاوت قائل شده و رهایی را برداشتن قید یا زنجیر یا هر عاملی که موجب بسته شدن مسیر جریان اراده در یک یا چند موضوع باشد تعریف می‌کند<sup>۸</sup> و آزادی را در دو درجه توضیح داده است:

درجه یکم - آزادی طبیعی محض که عبارت است از توانایی انتخاب یک هدف از میان اشیائی

۱. محمد رازی، المباحث المشرقیه، مکتبه الاسدی، ۱۳۴۵، ج ۲، ص ۴۱۳.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سوم، تهران، زمستان ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۸.

۳. پیشین، ج ۲، ص ۱۳۰.

۴. امام خمینی (ره)، پیشین، ج ۱۰، ص ۹۴.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.

۶. بیانات مقام معظم رهبری در نشست راهبردی پیرامون آزادی، ۱۳۹۱/۰۸/۲۴.

۷. بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ و ۱۳۶۵/۱۱/۳.

۸. محمدتقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۶۹، ص ۳۶۲.

که ممکن است به‌عنوان هدف منظور شوند یا انتخاب یک وسیله از میان اشیائی که شاید وسیله تلقی شوند، این درجه از آزادی فوق حالت رهایی بوده که عبارت از برداشته شدن قید و مانع از جریان اراده است.

درجه دوم - آزادی تصعید شده که نظاره و سلطه شخصیت بر دو قطب مثبت و منفی کار است. از دیدگاه ایشان هر چقدر این نظاره و سلطه بیشتر باشد، فرد آزادتر است. این درجه از آزادی با حالت رهایی بسیار متفاوت است. زیرا انسان در این درجه از آزادی از شخصیت خود در اجرای توانایی در دو قطب مثبت و منفی کار یا ترک کاری بهره‌برداری می‌کند.<sup>۱</sup>

تفاوت آزادی و اختیار در چند مورد است:

۱. اختیار با دو قید «شایسته و هدف‌گیری خیر» همراه بوده و برخلاف آزادی محض است،  
 ۲. آزادی فی‌نفسه لذت‌بخش است، در صورتی که اختیار چون به‌صورت یک تکلیف در انجام دادن یا ترک یک کار در حال اختیار و با توجه به آن دو هدف ممکن است، مشقت‌بار و ناگوار طبیعی باشد،

۳. عمل اختیاری شایسته و با هدف خیر انسان در منطقه ارزش‌های والا قرار می‌گیرد و برخلاف عملی است که با آزادی محض انجام می‌شود.<sup>۲</sup>

با تأمل در نظر جعفری می‌توان گفت که از دیدگاه ایشان با تفکیک آزادی و اختیار، اختیار در مرحله بهتری قرار می‌گیرد و آزادی باید زمینه‌ساز رسیدن انسان‌ها به مرحله بالاتر اختیار باشد. ایشان پس از بیان تفاوت‌ها، مفهومی عام از آزادی ارائه داده که باز بودن راه فعل و ترک آن برای یک انسان اعم از اینکه یکی از دو طرف یا هر دو طرف دارای ارزش یا ضداً ارزش بوده باشند.<sup>۳</sup>

مرتضی مطهری در آثار خود بسیار به بحث آزادی پرداخته است. ایشان باور دارد که آزادی یعنی نبودن مانع، جبر و نبودن هیچ قیدی در سر راه است. همچنین اختیار و آزادی جز با پذیرش آنچه در اسلام به نام فطرت نامیده شده و پیش از اجتماع در متن خلقت به انسان داده شده، معنا پیدا نمی‌کند.<sup>۴</sup>

ایشان دو نوع آزادی معنوی و اجتماعی را مطرح می‌کند. آزادی معنوی عبارت است از: آزادی انسان از قید و اسارت خویش<sup>۵</sup> که منشأ آن استعدادهای برتر انسان است.<sup>۶</sup> آزادی اجتماعی به معنای رهایی از سلطه دیگران به این معناست که بشر در اجتماع باید از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته

۱. همان، ص ۳۶۳.

۲. همان، ۳۶۳ و ۳۶۴.

۳. همان، ص ۲۸۴.

۴. مطهری، مجموعه آثار، صدرا، ۱۳۷۶، ج ۱۳، ص ۵۷۰.

۵. مطهری، آزادی معنوی، صدرا، ۱۳۸۰، ص ۳۲.

۶. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، ۱۳۷۰، ص ۷.



باشد و دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند. یعنی او را حبس نکنند، استثمار و استعباد نکنند و تمام قوای فکری و جسمی‌اش را در جهت منافع خود به‌کار نگیرند.<sup>۱</sup> از دیدگاه ایشان آزادی مقدمه کمال است که انسان به‌وسیله آن می‌تواند به کمال برسد نه اینکه خود آزادی فی‌نفسه کمال باشد.<sup>۲</sup>

این نظریه‌ها نشان می‌دهند که آزادی در دو سطح درونی و بیرونی مورد توجه قرار گرفته است. آزادی درونی که آزادی معنوی نامیده شده، رهایی انسان از قیود و بندهایی است که او را برده خود می‌سازد و در قرآن کریم نیز از جمله اهداف ارسال رسل دانسته شده است.

آنجا که می‌فرماید: «همانان که از این فرستاده، پیامبر درس‌نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به‌کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌سازد و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند».<sup>۳</sup> این آیه درباره رسول اکرم (ص) و نشان‌دهنده این امر است که پیامبر (ص) بندها را از پای مردم برمی‌دارد، آن‌غلهایی که به پای آنهاست و سنگینی می‌کند و مانع تحرک و پرواز و اوج گرفتن و تکامل انسان می‌شود را از گردن و پای انسان باز می‌کند و انسان با باز شدن این غل‌ها و زنجیرهاست که آزاد می‌شود.

در روایات فراوان دینی هم رهایی از قیدوبند مادیات و شهوات را به‌عنوان آزادی تعبیر کرده است:

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ای انسان، طمع و آز تو را اسیر و برده نکند، در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است».<sup>۴</sup> زیرا ممکن نیست که انسان آزاد و آزادیخواه باشد، اما اسیر بند طمع باشد. در جای دیگر می‌فرمایند: «آن کسی که شهوت‌ها و هوس‌ها و تمایلات نفسانی خودش را رها می‌کند، او آزاد و حر است».<sup>۵</sup> در حالی که کسی که اسیر شهوات یا غرق در تمایلات نفسانی باشد، در اندیشه غربی آزاد به حساب می‌آید. در اسلام چنین فردی اسیر و برده است. در روایت دیگر می‌فرمایند: «آن کسی که به جلوات دنیا و تمایلات دنیوی بی‌اعتنا باشد، او جان خودش را آزاد کرده و خدای خویش را خشنود کرده است».<sup>۶</sup>

امام صادق (ع) فرموده‌اند: «انسان آزاد در همه حال آزاد است؛ اگر سختی‌ای به او رو بیاورد،

۱. همان، ص ۱۴.

۲. مرتضی مطهری، انسان کامل، صدر، چ چهارم، تابستان ۱۳۶۹، ص ۳۴۷.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶، ص ۲۹۸.

۵. ابن شعبه حرانی، تحف‌العقول، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۱، ص ۸۸.

۶. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۲۷۷.

تحمل و صبر می‌کند و اگر مصیبت‌ها از همه طرف بر او هجوم بیاورند و وی را زیر فشار قرار بدهند، او نمی‌شکند.<sup>۱</sup> چنین فردی زبون و اسیر و مقهور ترس و ناراحتی و مصیبت نمی‌شود و آزادی و آزادگی خود را از دست نمی‌دهد.

آزادی در معنا و سطح بیرونی خود ناظر بر روابط افراد با یکدیگر است. به موجب این آزادی هیچ کسی حق ندارد دیگری را برده و اسیر خویش سازد و هیچ‌کس هم حق ندارد خود را اسیر و برده و بنده دیگری قرار دهد.

در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) به آزادی در این معنا نیز اشاره شده است. خداوند متعال در آیه ۶۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است توافق کنیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد». در این آیه به این مهم اشاره شده که کسی نباید تحت اسارت و بندگی و بردگی غیر خدا برود و آزادی را به واسطه دیگران از خود سلب کند.

در آیه دیگر حضرت موسی (ع) به فرعون می‌فرماید که: «و [آیا] اینکه فرزندان اسرائیل را بنده [خود] ساخته‌ای، نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی؟»<sup>۲</sup> در این آیه شریفه حضرت موسی (ع) فرعون را به خاطر سلب آزادی بنی اسرائیل مورد سرزنش قرار می‌دهد.

امام علی (ع) در وصیت خود به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «بنده غیر خودت نباش که خدا تو را آزاد آفریده است».<sup>۳</sup>

## • مبانی آزادی

### ۱. مبانی آزادی در اسلام

در تعالیم اسلام مبانی زیر را می‌توان برای آزادی بیان کرد:

- **مبانی شناختی:** این مبانی بینش و شناخت انسان را نسبت به هستی و خود انسان شکل می‌دهند. نوع نگرش نسبت به انسان و شناخت نسبت به او در تعیین آزادی‌اش مؤثر است. با توجه در آیات قرآن کریم<sup>۴</sup> روشن می‌شود که قرآن، خداوند متعال را خالق انسان دانسته و انسان را موجودی وابسته به خدا می‌داند. از دیدگاه اسلام، خداوند هم خالق انسان و هم رب و پرورش‌دهنده اوست، از این جهت انسان به لحاظ ایجاد و بقا وابسته به خداست.<sup>۵</sup> یعنی هم خالق همه موجودات و هم هدایت‌کننده آنها خداست.

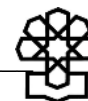
۱. محمد کلینی، اصول کافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ. ش، ج ۲، ص ۸۹.

۲. سوره شعراء، آیه ۲۲.

۳. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، مؤسسه انتشارات مشهور، قم، ۱۳۷۹، نامه ۳۱.

۴. سوره طور، آیه ۳۵ - سوره واقعه، آیات ۵۸ - ۵۹.

۵. سوره طه، آیه ۵۰.



از دیگر مبانی شناختی در اسلام این است که انسان نه صرفاً موجودی خاکی و نه عقل محض و فرشته، بلکه ماهیت زمینی<sup>۱</sup> و آسمانی دارد.<sup>۲</sup> در واقع ماهیت انسان مرکب از جسم و روح است و روح، عنصر اساسی در وجود اوست که انسانیت با بقای آن باقی است و جسم نمی‌تواند همسنگ یا برتر از روح در تحقق انسانیت انسان باشد.<sup>۳</sup> اهمیت این بحث در مسئله آزادی از آن رو است که بسته به اینکه اصالت در انسان با روح باشد یا با جسم، تلقی از آزادی نیز متفاوت خواهد بود، کسی که اصالت را به روح الهی انسان می‌دهد، آزادی روح او را آزادی حقیقی انسان می‌داند و کسی که اصالت را به جسم و تن خاکی می‌دهد، آزادی واقعی انسان را در آزادی جسم و تن وی خلاصه خواهد کرد. بنابراین همین که انسان در بند دیگران نباشد، آزاد است. هرچند از نظر روحی در قید و بند صدها غل و زنجیر شهوی و غضبی باشد.

از جمله مبانی شناختی دیگر از دیدگاه اسلام این است که انسان گوهری کریم، ارزنده<sup>۴</sup> و موجودی خداجو<sup>۵</sup> و جاودانه<sup>۶</sup> است که خداوند او را خلیفه خود در زمین قرار داده است<sup>۷</sup> و در نهایت به دارالقرار<sup>۸</sup> می‌رسد و با مجموعه هستی پیوندی تکوینی دارد و دارای دو حیثیت فردی و اجتماعی است.

نکته نهایی در مورد مبانی انسان شناختی از دیدگاه اسلام توجه کردن به غایت اوست. در اسلام همان‌گونه که انسان مبدأ خدایی دارد و خدا او را خلق کرده، غایت او نیز خدایی خواهد بود و به او ختم می‌شود.<sup>۹</sup> لذا باید حیات خود را که اول و آخرش از خدا و به سوی اوست به‌گونه‌ای پیش برد که به خدا منتهی شود. از همین رو لازم است که آزادی انسان به‌گونه‌ای ترسیم شود که خدا را از مسیر حرکت به سمت غایت خود خارج نسازد و این همان مسیر عبودیت و توحید است.

برخلاف تصور آنان که آزادی را رها بودن مطلق می‌دانند، پذیرش عبودیت خداوند و عمل به مقتضای بندگی در جوانب مختلف زندگی با آزادی واقعی انسان تعارض ندارد. زیرا عبودیت تشریحی و گردن نهادن به محدوده معین دین خدا و احکام و ارزش‌های آن مسبوق به آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه است. از سویی این عبودیت هم عین آزادی واقعی انسان است که باید به‌گونه‌ای باشد که

۱. سوره ص، آیه ۷۱.

۲. سوره ص، آیه ۷۲.

۳. مرتضی مطهری، انسان کامل، پیشین، ص ۳۹-۴۰ - محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، انتشارات در راه حق، چ دوم، بهار ۱۳۶۸، ص ۴۴۵ - ۴۵۰ - عبدا... جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، اسراء، قم، چ اول، فروردین ۱۳۸۲، ص ۲۸۱ - ۲۸۲ - عبدا...، جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، اسراء، چ سوم، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸ - ۱۶۹.

۴. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۵. سوره فاطر، آیه ۱۵.

۶. شیخ صدوق، اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، انتشارات کنگره شیخ مفید، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۸.

۷. سوره بقره، آیه ۳.

۸. سوره عنکبوت، آیه ۶۴.

۹. سوره بقره، آیه ۱۵۶.

خداوند مالک و مولا و مدبر دستور داده است. عبودیت آزادانه خداوند متضمن آزادی واقعی و دوری از بندگی و بردگی دیگران است. چنانچه خداوند در قرآن کریم عبودیت خود را به‌عنوان عامل جامع همه پراکندگی‌ها و وسیله رسیدن به آزادی اجتماعی و عدم تسلط انسان بر انسان‌های دیگر معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۲. اراده و اختیار انسان

پیشتر اشاره شد که گرایش انسان به سمت مدرکات خود هرگاه ناشی از احساس یا تخیل باشد، اراده و چنانچه ناشی از رؤیت یا قوه ناطقه باشد، اختیار نامیده می‌شود<sup>۲</sup> که البته برخی نیز هدفگیری خیر را در مفهوم اختیار مدنظر قرار داده‌اند.<sup>۳</sup>

سؤال اساسی که در باب اختیار در بین متفکران اسلامی مطرح بوده این است که آیا انسان در اعمال و رفتار خویش آزاد است یا خیر؟ محدوده اختیارات انسان کجاست؟ محققین حکمای اسلامی معتقدند نظام هستی، نظام ضروری است و استثناپذیر نیست و در عین حال انسان در افعال و رفتار آثار خود مختار و آزاد است و حد اعلای آزادی برای او وجود دارد و این اختیار و آزادی با ضرورت نظام هستی منافات ندارد. از نظر فلاسفه اسلامی، اثبات اختیار و اراده برای انسان با اراده و مشیت الهی منافات ندارد و از نظر آنان اراده الهی بر این تعلق گرفته که مردم آزاد و مختار باشند.<sup>۴</sup> آیاتی از قرآن کریم نیز مؤید این مدعایند.<sup>۵</sup>

بحث مهم در این باب به علیت و فاعلیت مربوط می‌شود. آیا انسان در انجام اعمال و رفتارهای خود تأثیر دارد؟ آیا این علیت و تأثیر مستقل است؟ جبریون معتقدند که خلق به‌طور کلی از تأثیر برکنارند و همه تأثیرات به‌گونه مباشرت و بدون واسطه به خدای تعالی استناد دارند.<sup>۶</sup> تفویضیون معتقدند چنانچه بنده کاری انجام می‌دهد و اثری از آن ظاهر شود، بود و نبود خداوند یکسان بوده و حق تعالی مکلف را آفریده و کارهایش را به او واگذار کرده است.<sup>۷</sup> نظریه جبریون ستم کردن به خدا<sup>۸</sup> و نظریه تفویضیون شرک به خداست.<sup>۹</sup> نظریه دیگری وجود دارد که<sup>۱۰</sup> نه جبر است و نه

۱. سوره آل عمران، آیه ۶۴.

۲. ابونصر محمد فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی، طهوری، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۳. علامه جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، پیشین، ص ۳۸۴.

۴. خواجه نصیرالدین طوسی، کشف المراد، شرح تجرید الاعتقاد، ترجمه ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۷ هـ. ق، چ سوم، ص ۴۲۹.

۵. سوره رعد، آیه ۱۱ - سوره شوری، آیه ۲۰.

۶. امام خمینی (ره)، طلب و اراده، ترجمه سیداحمد فهری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۶۱.

۷. همان، ص ۵۹.

۸. همان، ص ۷۷.

۹. همان، ص ۷۵.

۱۰. محمد کلینی، اصول کافی، دار الکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۵ هـ. ش، ج ۱، ص ۱۶۰ - احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، انتشارات مرتضی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ص ۴۵۱.



تفویض، بلکه امری بین این دو است که به دیدگاه امامیه مربوط می‌شود. مطابق این نظریه انسان دارای آزادی و اراده کامل اما نه مستقل از قدرت و خواست خدای متعال است. در نتیجه انسان، مقهور اراده الهی نیست. انسان در اثر علم و اراده، نسبت به رفتار خود اختیار تکوینی دارد که تصمیم بگیرد و انتخاب کند.<sup>۱</sup> در حقیقت دو راه پیش روی انسان گشوده شده و اختیار انتخاب نیز به او سپرده شده است. اگر بخواهد از این راه مشخص می‌رود و اگر بخواهد از راه مشخص دیگر، ولی هرکدام را که برگزیند، نهایت و نتیجه آن مشخص و قطعی و تخلف‌ناپذیر است.<sup>۲</sup> خداوند اختیار در عمل را به بندگان عطا فرموده و اصولاً لازمه ثواب و عقاب، اختیار و آزادی انسان است.<sup>۳</sup> این اختیار و آزادی در اسلام توأم با مسئولیت است.<sup>۴</sup> یعنی انسان با انتخاب آزادانه خود، در برابر آینده‌اش مسئول است. به این معنا که حاکم بر سرنوشت خود است و باید به ازای مسئولیتی که در برابر خدا دارد، راه خود را براساس تعلق و حکمت برگزیند.<sup>۵</sup> توجه به مسئله مسئولیت در کنار آزادی نکته‌ای است که مورد اهتمام برخی متفکرین غربی قرار گرفته است.<sup>۶</sup>

### ب) فطرت

اختیار و آزادی جز با پذیرش آنچه در اسلام به نام فطرت نامیده می‌شود و پیش از اجتماع در متن خلقت به انسان داده شده معنا پیدا نمی‌کند.<sup>۷</sup> با تأمل در آیات قرآن کریم و با توجه به آنچه در مورد ماهیت انسان بیان شد - که انسان طبیعی دارد و حقیقتی (فطرتی) - می‌توان گفت که رنگ سرشت انسان ترکیبی از زشتی و نیکویی است. زیرا طبیعت انسان، تن‌پرور و لذت‌جو است و به همین دلیل در آیاتی از قرآن کریم در نکوهش گرایش به آن صحبت شده<sup>۸</sup> و در عوض فطرت او حق طلب و عدالتخواه است، البته نباید فراموش کرد که مبدأ این ستایش‌ها، فطرت‌گرایی و منشأ آن نکوهش‌ها، طبیعت‌گرایی انسان است، نه خود طبیعت یا فطرت او. چون این دو، قوای روح و مخلوق تکوینی خدایند.

اگر فطرت‌گرایی انسان بر طبیعت‌گرایی او غلبه کند نه تنها حقوق بدن و جنبه طبیعی روح او پایمال نمی‌شود، بلکه در تکامل به «افق اعلی» و مقام «أو ادنی» می‌رسد که از مقام فرشتگان برتر

۱. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان (فارسی)، سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۳۷۴، ج ۱۶، ص ۶۸.

۲. سوره بلد، آیه ۱۰ - سوره انسان آیه ۳ - سوره کهف، آیه ۲۹.

۳. علی‌اکبر قریشی، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۷۷.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶، ج ۲۵، ص ۳۳۶.

۵. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۲۸.

۶. ویکتور کرزن، مهرداد جوانبخت، فرهنگ گزیده آرای اندیشمندان، اتریات کتاب، اصفهان، ۱۳۷۶، ص ۱۵.

۷. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۲۰.

۸. این نکوهش به دلیل تبعیت نکردن طبیعت انسان از فطرت او است.

است<sup>۱</sup> و به آزادی حقیقی دست می‌یابد. اگر طبیعت‌گرایی انسان بر فطرت‌گرایی او غلبه کند، نتیجه‌ای جز از خود بیگانگی او و مغلوب هوای نفس شدن و بردگی نخواهد داشت<sup>۲</sup> که در این صورت نه تنها از پیمودن مسیر کمال باز می‌ماند، بلکه دچار انحطاط شده و پست‌تر از حیوان می‌شود.<sup>۳</sup> کسانی که قائل به طبیعی بودن حق آزادی در اسلامند در واقع معتقدند که این حق از طبیعت برمی‌خیزد و از رابطه انسان با طبیعت پیدا می‌شود. از آنجا که این حق مطابق فطرت است در حقوق طبیعی و فطری قرار می‌گیرد و حقوق الهی منحصر به حقوق موضوعه (تشریعی) نبوده و قانون خلقت و طبیعت از جانب خداوند است، در نتیجه می‌توان حقوق طبیعی را حقوق الهی نیز تعبیر کرد.

### ۳. عقل

عقل از جمله مبانی آزادی در اسلام است. عقل باعث جلوگیری انسان از ارتکاب زشتی‌ها و اعمال و رفتار نادرست می‌شود. عقل و جایگاه آن در وجود انسان، قدرت انتخابگری و آزاد بودن را به او عطا می‌کند.

### ۴. رشد و تکامل انسان

بر کسی پوشیده نیست که این مسئله از مطلوبیت بالایی برخوردار است و انسان بدون برخوردار بودن از آزادی قادر به رشد و نیل به کمال نخواهد بود. زیرا حرکت آزادانه به سمت کمال، دارای ارزش است. یعنی از دیدگاه اسلام، آزادی مقدمه کمال نه خود کمال است.<sup>۴</sup>

### ۵. اصل مساوات و برابری ذاتی

اصل مساوات و نفی تبعیض، یکی از اصول و ارکان فرهنگ اسلامی است. از نظر اسلام، انسان‌ها به حسب گوهر و ذات برابرند، مردم از این نظر دوگونه یا چندگونه آفریده نشده‌اند. رنگ، خون، نژاد و قومیت، ملاک برتری و تفوق نیست. در اسلام، آزادی و دمکراسی زاده برابری و مساوات انسان‌هاست.<sup>۵</sup> متفکران اسلامی، طبیعی بودن آزادی انسان را براساس اصل مساوات دانسته‌اند. «انسان در طبیعت خویش اختیاری تشریعی و اعتباری در انجام یا ترک در برابر و موازی با اختیار تکوینی‌اش می‌یابد، از این رو آنچه بخواهد می‌تواند انجام دهد و یا ترک کند. هیچ‌کس از همنوعانش نمی‌تواند او را بر چیزی وادار کند و از چیزی بازدارد. زیرا آنها همانند او هستند و در انسانیت چیزی زاید بر او ندارند و از وجود او چیزی را مالک نیستند و این همان معنای مقصود از آزاد

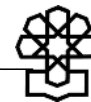
۱. سوره ص، آیات ۷۱ - ۷۲.

۲. جواد آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، اسراء قم، چ اول، فروردین ۱۳۸۲، ص ۲۹۲ - ۳۰۶.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

۴. مطهری، انسان کامل، پیشین، ص ۳۴۹.

۵. مطهری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، صدرا، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳.



بودن طبیعی انسان است»<sup>۱</sup>.

#### ۶. اصل وسیله بودن آزادی

اندیشه لیبرال، آزادی را برترین هدف و نهایت هر چیز می‌داند و فراتر از آن هدفی نمی‌شناسد. در این دیدگاه، هدف نمی‌تواند چیزی غیر از حفظ آزادی اراده و در حقیقت حفظ هویت واقعی انسان باشد. یعنی آزادی انسان عبارت از آزاد شدن او برای حفظ آزادی خود است.<sup>۲</sup> اشتباه روشن این دیدگاه در خلط هدف و وسیله است: آزادی گرچه برای انسان کمال به‌شمار می‌رود، ولی کمال وسیله‌ای است نه کمال هدفی، هدف انسان این نیست که آزاد باشد ولی انسان باید آزاد باشد تا به کمالات خود برسد. اگر انسان از آن برخوردار نبود، توان اوج گرفتن برای او وجود نداشت، ولی این بدان معنا نیست که آزادی به شکل قهری همه را به اوج می‌رساند و بزرگی انسان در آن است که راه کمال او از اختیارش می‌گذرد. در حالی که همه موجودات دیگر در مسیری از پیش تعیین شده و بدون امکان جهت تغییر در حرکتند.

#### ۷. اصل اباحه

از جمله دیگر مبانی آزادی که خصوصاً در فقه مورد توجه قرار می‌گیرد اصل اباحه است. این اصل به این معناست که هر کاری که حرام بودن آن ثابت نشده باشد، مباح است و انسان در انجام یا ترک آن از آزادی برخوردار است. این اصل از نظر احادیث و آیات و اجماع و عقل ثابت شده است.<sup>۳</sup>

#### ۸. اصل عدم سلطه

این اصل نیز از جمله مبانی فقهی آزادی به‌شمار می‌رود. مطابق این اصل کسی بر دیگری سلطه و ولایت ندارد بجز خدا و پیامبر و امام که ولایت آنها با دلیل ثابت شده است.<sup>۴</sup>

از جمله موارد دیگری که در زمره مبانی آزادی در اسلام باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

- تکلیف و مسئولیت با آزادی معنا پیدا می‌کند.
- آزمایش و ابتلا بدون آزادی معنایی ندارد.
- خلافت الهی یکی از صفات الهی اراده است و از آنجا که خداوند دارای اراده است، خلیفه او نیز باید دارای این ویژگی باشد.
- حرمت بندگی: انسان حق ندارد خود را برده و بنده دیگری کند.

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۶۸.

۲. محمد مجتهد شبستری، آزادی و ایمان، مجله ایران فردا، ش ۲۷، ص ۲۲.

۳. شیخ انصاری، فوائدالاصول، قم، انتشارات مصطفوی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۳.

۴. شیخ مرتضی انصاری، پیشین، ص ۱۵۳- امام خمینی (ره)، رساله اجتهاد و تقلید، قم، دارالفکر، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴- علامه طباطبایی،

تفسیر آیه ۶۸ قصص، المیزان، ج ۱۶، ص ۹۵.

- حرمت ذلت: انسان دارای عزتی است که از سوی خداوند به او عطا شده و لذا حق ندارد خود را به ذلت بکشانند. زیرا سلب آزادی از خود و واگذار کردن عنان اختیار و تصمیم‌گیری به غیر، مصداق بارز پذیرش ذلت است.
- حرمت اطاعت از ستمکار: مطابق آیات قرآن کریم<sup>۱</sup> خداوند هیچ راهی برای سیطره کفار بر مسلمین قرار نداده و لذا مسلمانان حق ندارند آنها را بر خود مسلط کنند.
- وجوب دفاع از ستم‌دیده: دفاع از ستم‌دیده برای کسی امکان دارد که آزادی اقدام برای چنین امری را داشته باشد والا حکم به وجوب دفاع ستم‌دیده و از سوی دیگر نفی آزادی او منطقی نخواهد بود.
- وجوب دفاع از حقوق خود: دفاع از حقوق خود امری لازم و واجب است و نمی‌توان آزادی انسان را نفی کرد و دفاع از حقوق خود را بر او واجب ندانست.

## ۲. مبانی آزادی در غرب

- **مبانی شناختی:** از دیدگاه غرب، اساسی‌ترین مفاهیم آزادی را باید در مبانی شناختی آنها جستجو کرد. آنان تلاش می‌کنند که از جهان و هستی تصویری ارائه دهند که در آن خداوند نقش ربوبیت ندارد و وضع قوانین را برعهده بشر گذاشته است. همچنین نگاه انسان‌محورانه که مبین دو خصلت و ویژگی انسان‌محوری و فردگرایی و نیز حاکمیت امیال انسان باشد، از جمله این مبانی شناختی است.<sup>۲</sup> بر همین اساس مفروض بودن آزادی و اصل بی‌طرفی از جمله مبانی شناختی بوده که در غرب مورد توجه قرار گرفته است. مفروض بودن آزادی به این معناست که اصل آزادی است و عدم آن نیاز به دلیل دارد و آزادی و اعمال آزادی ارزش ذاتی دارد. اصل بی‌طرفی به این معناست که از آنجا که هیچ برداشتی از خیر و خوبی ذاتاً بر برداشتی دیگر برتری ندارد و از آنجا که هیچ‌کس ذاتاً بر دیگری برتری ندارد و باید درباره اشخاص و برداشت‌های گوناگون از خوبی و خیر بی‌طرف بود، اعمال قدرت بر دیگری به دلیل عدم برتری برداشت‌ها و اشخاص بر یکدیگر موجه نیست.<sup>۳</sup>

در نقد این مطلب باید گفت اینکه اثبات آزادی نیازمند دلیل نیست، صحت ندارد. زیرا این امر بستگی به نوع عمل و رفتاری دارد که فرد انجام می‌دهد. اگر کسی رفتاری را انجام می‌دهد که خلاف قانون است می‌توان پرسید چرا؟ ارزش ذاتی داشتن آزادی به شرطی قابل قبول است که مبنای آن حق طبیعی و فطری دانسته شود. از این‌رو ارزش داشتن یا نداشتن اعمال آزادی، به حق طبیعی و فطری دانستن آزادی و نوع متعلق اعمال آن مربوط می‌شود. اگر آزادی بر اعمال معقول و عقلایی اعمال شود، اعمال آزادی نیز معقول و موجه است. در نقد اصل بی‌طرفی باید گفت که حسن

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۲. آنتونی آربلاستر، ظهور و سقوط لیبرالیسم، ترجمه عباس مخیر، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۷، ص ۳۹.

۳. منصور میراحمدی، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام، ۱۳۸۱، قم، ص ۱۲۲.



و قبح امری عقلی است و از این جهت در مورد هر برداشتی ممکن است قضاوت خوب یا بد وجود داشته باشد.

- اصل استقلال و خودگردانی انسان: استقلال به این معناست که انسان مستقل است و این استقلال نیاز به تحقق شرایطی دارد که یکی از آنها آزادی است.<sup>۱</sup>

در نقد این مبنا پرسیده می‌شود مراد از استقلال چیست؟ آیا انسان به لحاظ وجودی آزاد است؟ در اسلام، وجود انسان عین فقر و نیاز به حق تعالی است. آیا مراد، عدم تعلق فطری انسان به اشیا و امور است؟ حال آنکه در اسلام اقتضای فطرت، علاقه داشتن به برخی اشیا و امور است. اگر استقلال در شخصیت حقوقی باشد این امر قابل قبول است. یعنی هیچ‌کس حق ندارد که او را به بردگی بگیرد.

- اصالت سودمندی و فایده: آزادی منبع اساسی برای منفعت فردی و اجتماعی است. زیرا فرد بهتر از حکومت و جامعه در مورد خودآگاهی و قدرت قضاوت دارد. از این جهت آزاد بودن او در راستای منافع خود خواهد بود.<sup>۲</sup>

در نقد این مبنا چند نکته گفته می‌شود:

اول - منفعت به خودی خود اصالت ندارد، بلکه کسب منفعت وسیله‌ای برای نیل به سعادت و کمال است.

دوم - آزادی افراد منجر به تحقق فایده برای آنان نمی‌شود. زیرا در بسیاری اوقات افراد با سوءاستفاده از آزادی، منفعت خود و منفعت دیگران و جامعه را از بین می‌برند.

- اصل حق بودن آزادی: آزادی حق افراد است. از این رو ایجاد مانع در برابر آن مساوی با ایجاد مانع در برابر حق آنان است.<sup>۳</sup>

در نقد این مبنا پرسیده می‌شود که منشأ این حق کجاست؟ در فلسفه سیاسی لیبرالیسم طبیعت منقطع از خدا منشأ این حق است، ولی براساس آموزه‌های اسلام، خداوند انسان را آزاد آفریده است. با پذیرش فطرت و طبیعتی که مخلوق خداست و منقطع از او نیست می‌توان آزادی را حق دانست و بدون این امر حق دانستن آزادی سخن گفتن از امری بی‌ریشه و منقطع از هستی‌بخشی خواهد بود که اصالت از آن اوست.

- اصل برابری: برخی آزادی‌ها چون به‌طور یکسان مورد علاقه و دلمشغولی افرادند، ممکن است بتوان از حق بودن آنان سخن گفت. این مبنا نیز درست نیست. اگر برخی از آزادی‌ها در حوزه عمومی مورد توجه قرار گرفتند که با ارزش‌ترند منطقی به نظر نمی‌رسند.

۱. میراحمدی، پیشین، ص ۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۲۸-۱۳۰.

۳. همان، ص ۱۳۱-۱۳۲.

### ج) لزوم محدودیت برای آزادی

ضرورت محدودیت آزادی چیزی نیست که مورد انکار متفکری باشد و دفاع از آزادی مطلق در میان خردمندان جایگاهی ندارد<sup>۱</sup> و هیچ نظام سیاسی نیست و نمی‌تواند وجود داشته باشد که آزادی فرد را مطلقاً و بدون قید و شرط بپذیرد.<sup>۲</sup> در واقع حد اعلای آزادی آنجاست که آزادی به حد اعلای نرسد.<sup>۳</sup>

#### ۱. محدودیت‌های آزادی در اسلام

از دیدگاه اسلام، آزادی انسان مطلق نیست، بلکه محدودیت‌هایی دارد که موارد زیر از جمله محدودیت‌های آزادی انسان محسوب می‌شوند:

- **حق توحید:** توحید نه فقط اعتقاد به خدا، بلکه به معنای اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت؛ عبودیت خدا و عدم عبودیت غیر خدا<sup>۴</sup> است. توحید در این معنا عدم پیروی بی‌دلیل از عادات، انسان‌ها و نظام‌های اجتماعی است. توحید به معنای دوری جستن از هر آنچه به اراده الهی منتهی نشود، زیرا این شرک به خداست. در اسلام، آزادی به این معنا باز می‌گردد که انسان از همه قیود، غیر از عبودیت خدا آزاد است.<sup>۵</sup>

در اندیشه اسلامی، اراده انسان باید در طول اراده تشریعی خداوند قرار گیرد و از آن تبعیت کند. این پیروی هر چند به جبر فلسفی و نفی اراده انسان نمی‌انجامد، ولی میدان‌گزینش مجاز او را کاملاً محدود می‌کند. انسان موظف است در محدوده قانون خدا حرکت کند و مرزهایی که آفریدگارش مشخص کرده محترم بشمارد. از دیدگاه اسلام، عامل اصلی تحدید آزادی انسان، مبدأ هستی‌بخش است که مبدأ تحدید اصل هستی اوست.<sup>۶</sup> از این رو مبدأ هستی‌بخش که وجود محدود به انسان عطا کرده تنها مرجع تعیین حدود آزادی اوست، چون غیر از آن مبدأ هستی‌بخش، هیچ‌کس از حیطه هستی او آگاه نیست. انسان بنده و مخلوق خداست و همواره باید افتخار بندگی خداوند را در اندیشه و قول و فعل به‌همراه داشته باشد و این امر بالطبع منجر به این خواهد شد که او در اندیشه و قول و فعل در محدوده بندگی خداوند گام بردارد.

در اندیشه اسلامی، آزادی حق طبیعی و الهی است. آزادی که زیباترین چهره‌های حقوق است ملک انسان نیست، بلکه ودیعت الهی است که به او سپرده شده است. چون اصل آزادی ودیعه الهی

۱. آیزایا برلین، پیشین، ص ۲۳۹.

۲. فرانتس نویمان، آزادی، قدرت و قانون، عزت... فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۷۱.

۳. شارل دو منتسکیو، روح القوانين، علی‌اکبر مهدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۳۹۶.

۴. سوره آل عمران، آیه ۶۴.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در نشست راهبردی آزادی، ۱۳۹۱/۸/۲۴.

۶. جواد آملی، فلسفه حقوق بشر، اسراء، قم، چاپ ۵، فروردین ۱۳۸۶، ص ۱۰.



است نه ملک انسان، لذا هیچکس نمی‌تواند خود را بفروشد و خویش را بنده دیگران کند. یعنی آزادی خود را به بردگی تبدیل کند.<sup>۱</sup>

**- آزادی بر محور عقلانیت:** اراده در انسان با عقل عملی پیوند دارد و این عقل، قوه‌ای است که آنچه را در حوزه فعالیت‌های انسانی باید انجام گیرد، نشان می‌دهد. این نیرو در حیوانات وجود ندارد و در انسان، اراده در استخدام نیروی عقل قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup> آنچه از حیوان سر می‌زند هرچند با میل و شوق همراه است ولی چون شوق حیوانی برخاسته از شهوت و غضب است از جنبه‌های عقلانی و آگاهانه و حساب‌گرایانه خالی است. از این رو آزادی در سطح حیوان یا «انسان - حیوانی» به آزادی شهوت، هوی و هوس اختصاص می‌یابد که باید آن را حیوانیت رها شده نامید.

معقول بودن آزادی از جمله محدودیت‌های آزادی است. آنچه آزادی را موصوف به معقول یا نامعقول می‌سازد مربوط به بهره‌برداری از آزادی است که اگر مطابق اصول و قوانین انسانی باشد، آزادی معقول نامیده می‌شود و چنانچه بر ضد اصول و قوانین انسانی باشد، نامعقول خواهد بود. آزادی نامعقول، آزادی به فعلیت رساننده هوا و هوس طبیعی محض است.<sup>۳</sup>

**- آزادی توأم با انسانیت:** ارزش آزادی به آن است که رنگ انسانی یابد و اراده او از جنبه‌های متعالی ذات بشر مایه گرفته باشد. ملاک شرافت و احترام آزادی انسان این است که در مسیر انسانیت باشد.<sup>۴</sup> اراده بشر تا آنجا محترم است که با استعداد عالی و مقدسی که در نهاد بشر قرار دارد، هماهنگ باشد و او را در مسیر ترقی و تعالی بکشانند، اما آنجا که بشر را به سوی فنا و نیستی سوق می‌دهد و استعدادهای نهایی را هدر می‌دهد، احترامی ندارد.<sup>۵</sup>

**- آزادی و مسئولیت:** خصلت اراده در انسان با ویژگی تکلیف در زندگی فردی و اجتماعی قرین است و از این رو نباید اراده را جدای از مسئولیت در نظر گرفت. انسان در قبال آزادی خود، هم در مقابل خداوند و هم در مقابل دیگران مسئول است. از این رو آزادی خود را به گونه‌ای به کار می‌برد که منافی عبودیت و بندگی او در مقابل پروردگار یکتا نباشد و موجبات تجاوز به حقوق خود و دیگران را فراهم نسازد.

**- مصالح و منافع حقوق دیگران:** محدودیت دیگر بر آزادی، منافع مادی و معنوی جامعه است. هر فرد مادامی که به مصالح مادی و معنوی جامعه آسیب و زیان نرساند، آزاد است. بر همین اساس در نظام اسلامی دولت می‌تواند مانع اقدامات - از جمله بیان - با دو توجیه زیر باشد:

۱. جوادی آملی، پیشین، ص ۱۸۹.

۲. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، پیشین، ج ۶، ص ۳۵۵.

۳. محمدتقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، پیشین، ص ۳۸۴.

۴. شهید مطهری، آشنایی با قرآن، صدر، ج ۳، ۱۳۸۲، ص ۲۲۴.

۵. شهید مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، صدر، ۱۳۷۹، ص ۳۹.

**توجیه اول - اقداماتی که به نحوی تمامیت ارضی، حقوق ملی، حاکمیت ملی و امثال این امور را به خطر می‌اندازند.**

**توجیه دوم - اقداماتی که ارزش‌های اسلامی نظام، مانند مبنای اسلامی حکومت یا نهادهای اساسی نظام را تهدید کنند.<sup>۱</sup>**

**- مصالح فردی:** علاوه بر آزادی‌ها و حقوق دیگران، مصالح عالی‌ه خود فرد نیز می‌تواند آزادی‌ها را محدود کند.<sup>۲</sup> او همان‌طور که موظف است با حرکات، اعمال، رفتار و گفتار خود، حقوق دیگران و آزادی آنان را محدود نکند و به خطر نیندازد، وظیفه دارد آزادی، حدود و حقوق خویش را هم به خطر نیندازد. از این‌رو خودکشی، خودزنی و خودآزار رسانی ممنوع و حرام است. بنابراین انسان نمی‌تواند با استناد به آزادی خود، آزادی را از خویش سلب کرده و خود را در اختیار دیگری قرار دهد یا حتی روح و دل خود را تربیت و تکامل نبخشد.<sup>۳</sup>

## ۲. محدودیت‌های آزادی در غرب

هیچ‌یک از آزادی‌های اساسی بشر مطلق نیستند و ممکن است در موارد خاص این آزادی‌ها با یکدیگر تضاد پیدا کنند و باید دعاوی آنها را به‌گونه‌ای تعدیل کرد که با طرح منسجمی از آزادی‌ها سازگار شوند. از سویی هدف از انجام دادن این تعدیل‌ها آن است که حداقل آزادی‌های مهمتر و مربوط به پرورش مناسب و کاربست کامل قوای اخلاقی با یکدیگر سازگار باشند.<sup>۴</sup>

از نظر کانت، آزادی مقوله‌ای است که عقل بی‌هیچ واسطه به آن می‌رسد و ارزش والا و حیاتی این نهاد انسانی را تصدیق می‌کند. با وجود این او آزادی مطلق را با زندگی جمعی سازگار نمی‌بیند. اگر هرکس در جامعه مدنی به دلخواه خود و به آزادی رفتار کند، نه نظمی پا می‌گیرد و نه قانونی اجرا می‌شود. لذا وی عقیده دارد که زندگی اجتماعی به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، مانع آن است که قانون کلی آزادی به کمال اجرا شود، او وظیفه حقوق را فراهم آوردن عواملی می‌داند که شرایطی به‌وجود آورند تا آزادی‌ها را تجمیع کنند.

هگل قائل به محدودیت آزادی است و از این‌رو به نادیده گرفتن عنصر عقلانیت در تعریف آزادی اعتراض می‌کند. او باور دارد آزادی که انسان توانایی انجام کاری را داشته باشد، بیانگر عدم بلوغ کامل فکری است. زیرا این مفهوم اشاره‌ای بر حق زندگی اخلاقی و جز آن ندارد. بر این اساس هگل اراده خودسرانه و اراده عقلانی را از یکدیگر تفکیک می‌کند و نتیجه می‌گیرد تنها اراده

۱. محمدجواد لاریجانی، خط قرمز آزادی، نشریه فلسفه، کلام، عرفان، اندیشه حوزه، ۱۳۸۱، ش ۳۷.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، نماز جمعه ۱۳۶۵/۱۱/۳.

۴. جان راولز، عدالت به‌مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷.



عقلانی - اخلاقی آزاد است.<sup>۱</sup> از نظر او فقط زمانی از آزادی انسان سخن گفته می‌شود که آزادی از طبیعت عقلانی انسان که او را از دیگر حیوانات ممتاز می‌سازد برخاسته باشد. از این رو آزادی از حوزه انسانیت با پسوند لازم معقولیت همراه می‌شود و باید از ذات خردمندانه او سرچشمه گرفته باشد و به ذات خردمندانه او باز گردد و همواره تحت کنترل عقل عملی قرار داشته باشد.<sup>۲</sup>

آیزایا برلین اعتقاد دارد قلمرو آزادی طبعاً محدود است و در غیر این صورت هرکس تا هر جا که بتواند در زندگی دیگران مداخله می‌کند. او می‌گوید آزادی نامحدود به هرج و مرج می‌انجامد و تأمین حداقل نیازهای زندگی را ناممکن می‌سازد و طبقه ضعیف جامعه نابود می‌شوند.<sup>۳</sup> از نظر او آزادی منفی زمانی دگرگون می‌شود که گفته شود آزادی گرگ و گوسفند یکسان باشد. اگر قوه قهریه دولت دخالت نکند، گرگ‌ها گوسفندان را می‌درند. وی می‌گوید آزادی نامحدود سرمایه‌داران، آزادی کارگران را از بین می‌برد و آزادی نامحدود کارخانه‌داران یا پدران و مادران به استخدام کودکان در معادن زغال‌سنگ می‌انجامد و شکی نیست که باید طبقه ضعیف در برابر قوی حمایت شوند و از آزادی قدرتمندان تا حدی کاسته شود. از دید او هرگاه آزادی مثبت به اندازه کفایت تحقق یابد از آزادی منفی باید کاست. زیرا این دو باید تعالی یابند تا هیچ اصول روشنی را نتوان تحریف کرد.<sup>۴</sup>

در اندیشه هارت، گرچه آزادی، اقلیم شکوفایی استعدادها و عرصه رقابت‌هاست، اما او معتقد است که این رقابت هم قانون خاص خود را دارد. از دیدگاه وی همان‌طور که شرکت‌کنندگان در یک رقابت متعهدند که به یکدیگر آسیب نرسانند، از خطوط معینی فراتر نروند و قواعد بازی را رعایت کنند، شرکت‌کنندگان در اقلیم آزادی نیز باید پایبند به قواعد این عرصه باشند و نباید چنین باشد که هرکس هرچه خواست انجام دهد.<sup>۵</sup>

در اندیشه جان راولز آزادی فقط می‌تواند به خاطر خودش محدود شود.<sup>۶</sup> از دیدگاه جان لاک تا آنجا که انسان قدرت فکر و حرکت براساس ترجیح یا هدایت ذهن خود را دارا باشد، آزاد است.<sup>۷</sup> آزادی در محدوده قانون از جمله محدودیت‌هایی است که برای آن می‌توان بیان کرد.<sup>۸</sup> اهمیت این موضوع تا حدی است که کسانی آزادی را در محدوده بایدهای قانونی تفسیر و تعریف می‌کنند و معتقدند که آزادی عبارت از این است که انسان حق داشته باشد هر کاری را که قانون اجازه داده

۱. جان پلامناتز، فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۹.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. آیزایا برلین، چهار مقاله درباره آزادی، پیشین، ص ۲۳۹.

۴. آیزایا برلین، در جستجوی آزادی، رامین جهاننگلو، نشر گفتار، ۱۳۷۱، ص ۶۲.

۵. هارت، مفهوم قانون، پیشین، ص ۹۱-۱۷۵.

۶. سیدعلی محمودی، عدالت و آزادی، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۶، ص ۲۲.

۷. سیدعلی محمودی، نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۷۱.

۸. فرانتس نویمان، آزادی و قدرت و قانون، پیشین، ص ۱۱۲.

و می‌دهد، انجام دهد و آنچه را که قانون منع کرده و صلاح او نیست، مجبور به انجام آن نشود. در این صورت اگر مرتکب اعمالی شود که قانون منع کرده، دیگر آزادی وجود نخواهد داشت.<sup>۱</sup> آزادی دیگران،<sup>۲</sup> منافع دیگران،<sup>۳</sup> منافع عمومی جامعه،<sup>۴</sup> امنیت ملی<sup>۵</sup> از دیگر محدودیت‌های آزادی به‌شمار آمده است.

## فصل دوم - انواع آزادی

آزادی به اعتبار مختلف، اقسام و زیرمجموعه‌های متعددی دارد. در یک تقسیم‌بندی آزادی را به سه قسم کلی، آزادی تن (مانند حق حیات، امنیت شخصی، رفت‌وآمد، مسکن، مکالمات، مکاتبات، مخابرات، اسرار شخصی، حق دفاع و عدالت)، آزادی فکری (شامل آزادی عقیده، بیان، مطبوعات و سیاسی) و آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرده‌اند.<sup>۶</sup> آزادی از دیدگاه جامعه‌شناختی بر دو نوع است:

۱. آزادی خواست و اراده که امر ذهنی است.

۲. آزادی توانستن و اجرای یک امر که مقوله عینی بوده و دارای اشکال زیر است: آزادی فیزیکی، آزادی‌های اجتماعی، آزادی‌های مدنی و آزادی‌های سیاسی.<sup>۷</sup> از آنجا که انسان موصوف آزادی است، باید مورد توجه قرار گیرد. اگر انسان و شئون مختلف او مدنظر نباشند به‌طور کلی بحث آزادی منتفی است، بنابراین ملاک تقسیم‌بندی و تبیین انواع آزادی‌ها را باید انسان و ارتباطات مختلف او دانست. هنگام بحث از آزادی انسان باید ابتدا ارتباطات یا نسبت‌های مختلف او با پدیده‌های دیگر مدنظر قرار گیرند.

انسان به‌طور کلی سه نوع نسبت و ارتباط با پدیده‌ها و اشیا می‌تواند داشته باشد که عبارتند از:

ارتباط انسان با هستی و خداوند، ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با اجتماع و انسان‌های دیگر.

براساس این سه ارتباط، سه نوع آزادی برای انسان متصور است:

۱. آزادی فلسفی - کلامی: این نوع آزادی که از آن به «اختیار» تعبیر می‌شود، در نحوه ارتباط و نسبت انسان با خداوند و نیروهای غیبی و اصول حاکم بر این جهان و پدیده‌های هستی است. از

۱. منتسکیو، روح القوانین، علی‌اکبر مهدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۳۹۴.

۲. سیدعلی محمودی، عدالت و آزادی، پیشین، ص ۱۲۹.

۳. هابز، لاک، میل، آزادی فرد و قدرت، ترجمه محمود صناعی، تهران، هرمس، ۱۳۷۹، ص ۲۸۷.

۴. سیدعلی محمودی، نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک، پیشین، ص ۱۲۹.

۵. راولز: وقتی جامعه با عدم امنیت روبرو می‌شود باید آزادی محدود گردد، پیشین.

۶. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۹.

۷. ژرژ گوروچ، جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسان، ترجمه حسن حبیبی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰.



دیدگاه فلسفی - کلامی انسان موجودی مختار است.<sup>۱</sup> هرچند تمام پدیده‌های جهان و از جمله انسان، ذاتاً حادث و نیازمندند و قوام و دوام آنان به خودشان وابسته نیست، ولی در عین حال او دارای اختیاری است که از خداوند نشأت می‌گیرد.

۲. آزادی اخلاقی - عرفانی: این نوع از آزادی در ارتباط با نحوه ارتباط انسان با خود و نفسش است. به تعبیر دیگر مکانیسم یا نحوه تعامل قوای مختلف انسان (عاقله، شهویه، غضبیه) است. بنابراین آزادی اخلاقی یا معنوی عبارت است از: رهایی عقل از سلطه غرایز و شهوات یا به معنای آزادمندی و داشتن اخلاق آزادمردان که نتیجه سلطه قوه عقل بر شهوت و غضب است. این آزادی در سایه تزکیه و خودشناسی و تربیت و ممارست براساس اصول اخلاقی حاصل می‌شود.

آزادی عرفانی به معنای وارستگی از هر موجودی جز خداوند متعال که جوهره اصلی این آزادی، عشق به حقیقت مطلوب و تقرب به خداوند و رها شدن از همه تعلقات است که عارفان از آن به «فناء فی الله و بقاء بالله» تعبیر می‌کنند.

۳. آزادی حقوقی (سیاسی - اجتماعی): این نوع آزادی در ارتباط انسان با انسان‌های دیگر (جامعه) و حکومت (دولت و قانونگذار) و شیوه تعامل و محدوده دخالت فرد در شئون جامعه یا بالعکس بحث می‌کند و بیشترین اختلافات و موضع‌گیری‌ها و تأسیس مکتب‌های اجتماعی در پیرامون اثبات، تعریف، تحدید و تحصیل این نوع آزادی است.

در نگاه اول برخی از آزادی‌هایی که در این نوع قرار دارند به رابطه انسان با خود او مربوط می‌شوند، البته از این حیث که برعهده حکومت و نیز افراد دیگر تکالیفی نسبت به آن ایجاد شود، در زمره آزادی‌های حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرند. این نوع آزادی را می‌توان در سه قسم کلی «فردی»، «عمومی» و «سیاسی» مورد بررسی قرار داد. انواع آزادی‌ها و مصادیق گوناگون آن که بدان‌ها اشاره خواهد شد ممکن است با توجه به معیارهای متفاوت عناوین مختلفی نیز پیدا کنند. بدین معنا که ممکن است برخی آزادی‌ها در عین اینکه فردی‌اند به دلیل ماهیت اقتصادی یا فرهنگی خود عنوان آزادی اقتصادی یا فرهنگی داشته باشند یا برخی دیگر که عنوان عمومی یا سیاسی دارند به دلیل اینکه به اجتماع مربوط می‌شوند، عنوان آزادی اجتماعی به خود بگیرند.

## الف) آزادی‌های فردی

انسان این دسته از آزادی‌ها را به صرف انسان بودن و عضویت در جامعه داراست و دیگران و حکومت حق ندارند این آزادی‌ها را از فرد سلب کنند. جز اینکه فرد با اختیار خود دست به اعمالی بزند که وصف

۱. نظرات مختلف در این زمینه، بیشتر مورد اشاره قرار گرفته است.

انسانی نداشته باشند. در این صورت دیگران و خصوصاً حکومت خواهند توانست در چارچوب اصول و قوانین، نفی‌کننده این آزادی‌ها از آن فرد باشند. موارد زیر از جمله آزادی‌های فردی است:

### ۱. آزادی حق حیات

حق حیات از جمله بزرگترین نعمت‌هایی است که خداوند به هرکسی عطا فرموده و هیچ‌کس حق ندارد مانع حیات دیگری شود<sup>۱</sup> و حتی هیچ فردی حق ندارد حیات خود را بدون هیچ دلیلی از خود سلب کند. آزاین‌رو در اسلام خودکشی و نیز ترور حرام شمرده شده است.<sup>۲</sup> مبدأ حق زندگی و احترام به حیات انسان از اولین زمان آغاز شخصیت جسمانی یعنی زمان انعقاد نطفه است و از این زمان تا لحظه مرگ، حیات انسان مورد احترام و مصون از تعرض است. ازاین‌رو از نظر فقها سقط جنین از زمان انعقاد نطفه، حرام و موجب دیه خواهد بود.<sup>۴</sup>

در فقه اسلامی علی‌رغم پذیرش آزادی حق حیات در اسلام، برای آن محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده و در برخی موارد به سلب آن حکم داده شده است. قصاص، ارتکاب برخی گناهان مانند لواط، زنا، محصنه، ارتداد، سبّ نبی، محاربه و افساد در روی زمین<sup>۵</sup> از جمله مواردی‌اند که چنانچه فردی مرتکب هرکدام از آنها شود دیگر از حق حیات برخوردار نخواهد بود.

حق حیات در ماده (۳) اعلامیه حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است: هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. بند «۱» ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بیان می‌کند: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به‌موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد».

### ۲. آزادی اقامت و رفت‌وآمد

هرکس در هر شهر و محلی که اراده کند آزاد است سکنی گزیند و نمی‌توان هیچ‌کس را به اجبار مجبور به سکونت در محل خاصی کرد. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: شهرها، شهرهای خداوند و بندگان، بندگان اویند و در هر جا که به خیر و خوشبختی رسند در آنجا اقامت گزینند.<sup>۶</sup> انسان گرچه آزاد است که در هر مکانی اراده کرد اقامت گزیند، اما در اسلام به مسئله حفظ ایمان و دین بسیار تأکید شده است و از مسلمانان خواسته شده که چنانچه اقامت در محلی به دین

۱. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲. سوره نساء، آیه ۲۹ و ۳۰-سوره بقره، آیه ۱۹۵.

۳. شیخ طوسی، التهذیب، نشر صدوق، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۰، ص ۲۱۴- کلینی، کافی، ج ۷، ص ۲۷۵- مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷، ص ۱۳۵.

۴. امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۹۷.

۵. سوره مائده، آیه ۳۳.

۶. نهج‌الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، انتشارات دنیای دانش، ۱۳۸۱، ص ۲۲۳.



و ایمان آنها صدمه می‌زند، از آنجا هجرت کنند.<sup>۱</sup> همچنین در برخی موارد ممکن است فردی را به اقامت اجباری (توقیف، حبس، تبعید) در محلی وادار سازند که این امر نیاز به مجوز قانونی و شرعی دارد و پس از حکم محاکم صالحه امکانپذیر است.

بند «۱» ماده (۱۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید». مطابق بند «۲» همین ماده هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد. البته طبیعی است که هر کشور برای حفظ امنیت ملی و نظم و اخلاق عمومی و حقوق آزادی‌های دیگران، مجاز خواهد بود محدودیت‌هایی در این زمینه ایجاد کند. این امر در بند «۳» ماده (۱۲) میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد اشاره قرار گرفته است. به موجب این ماده، آزادی رفت‌وآمد و انتخاب مسکن در داخل و ترک کشور تابع هیچ‌گونه محدودیتی نخواهد بود مگر محدودیت‌هایی که به موجب قانون مقرر شده‌اند و برای حفظ امنیت عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی، یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشند.

### ۳. آزادی مسکن

نیاز به مسکن و سکونت برای کسب آرامش از جمله نیازهای بشر است. در تأمین این نیاز هرکس آزاد است که مسکن مورد علاقه خود را تهیه کرده و در آن سکونت گزیند. مقصود از مسکن، خانه، آپارتمان و به‌طور کلی هر محلی است که شخص یا اعضای خانواده‌اش در آن سکونت دارند. اتاق شخص در هتل و مهمانخانه نیز در این مصونیت در حکم خانه شخصی تلقی می‌شود.<sup>۲</sup> زیرا صرف تهیه مسکن به تنهایی نمی‌تواند موجبات آرامش افراد را فراهم سازد، بلکه این مسکن باید از تعرض و تجاوز دیگران مصون باشد. از این جهت هیچ‌کس حق ندارد بدون رضایت افراد یا بدون مجوز قانونی وارد مسکن دیگری شود.<sup>۳</sup>

### ۴. آزادی افراد در حریم خصوصی خود

همه انسان‌ها به شکل فطری و طبیعی مایلند که در امنیت و آرامش زندگی کنند. از جمله حوزه‌هایی که امنیت و آرامش در آن ضروری به نظر می‌رسد، حریم خصوصی افراد است. افراد در تحقق این امنیت و آرامش باید بتوانند آزادانه در این حوزه تصمیم‌گیری کرده و با اختیار و استقلال به اعمال اراده بپردازند و در این حوزه کسی مانع اعمال آزادی افراد نشود. اهمیت این حوزه از زندگی به

۱. سوره نساء، آیه ۴.

۲. طباطبایی مؤتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، پیشین، ص ۳۹.

۳. سوره نور، آیات ۲۷-۲۸.

اندازه‌ای است که در اسلام هرگونه تجسس در آن از سوی دیگران منع شده است.<sup>۱</sup> قرآن کریم با صراحت تمام تجسس را منع کرده و از آنجا که هیچ‌گونه قیدوشرطی برای آن قائل نشده، نشان می‌دهد که جستجوگری در کار دیگران و تلاش برای افشای اسرار آنها گناه است.<sup>۲</sup> البته قرآنی که در داخل و خارج آیه وجود دارند نشان می‌دهند که این حکم مربوط به زندگی شخصی و خصوصی افراد بوده و در زندگی اجتماعی تا آنجا که تأثیری در سرنوشت جامعه نداشته باشد، این حکم صادق است. در عین حال آنجا که ارتباطی با سرنوشت دیگران و کیان جامعه پیدا می‌کند، مسئله شکل دیگری به خود می‌گیرد، از این جهت شخص پیامبر اکرم (ص) مأمورانی برای جمع‌آوری اطلاعات قرار داده بود که از آنها به‌عنوان «عیون» تعبیر می‌شود، تا آن اطلاعاتی را که با سرنوشت جامعه اسلامی در داخل و خارج ارتباط دارد برای او گردآوری کنند.<sup>۳</sup>

لزوم صیانت از حریم خصوصی افراد در ماده (۱۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته است: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه قرار گیرد. هر کسی حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد».

### ۵. آزادی حق مالکیت

آزادی‌های اقتصادی از جمله آزادی‌هایی محسوب می‌شوند که برای افراد، مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. یکی از آزادی‌های اقتصادی، حق مالکیت است. اصل مالکیت فردی به معنای مالکیت انسان بر اموال، دارایی‌ها، کار، صاحب‌اختیار بودن آن و نفی هرگونه سلطه حق دیگران از مسلمات فقه اسلامی به‌شمار می‌آید که از آن به‌عنوان قاعده «السلطه»<sup>۴</sup> تعبیر شده است. از سویی بر اصل مالکیت فردی محدودیت‌هایی نیز اعمال شده است. از جمله وضع مالیات شرعی، عدم اضرار به غیر، عدم تأیید برخی معاملات مانند معاملات ربوی، معاملات مخالف مصالح جامعه و حکومت دینی.<sup>۵</sup> در مورد آزادی حق مالکیت ماده (۱۷) اعلامیه حقوق بشر نیز اشاره کرده است: «هر شخص منفرد یا به‌طور اجتماع حق مالکیت دارد. احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود».

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۲، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷.

۳. همان، ص ۱۸۸.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۷۲.

۵. محمدحسن قدردان قراملکی، آزادی در فقه و حدود آن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۲، ص ۷۵-۸۴.



## ۶. آزادی کسب و پیشه

از جمله آزادی اقتصادی دیگر که برای افراد باید محترم شمرده شود، آزادی کسب و پیشه است. هرکس در انتخاب شغل مناسب برای خویش آزاد است و نمی‌توان فردی را به اجبار وادار به اتخاذ شغل و حرفه‌ای خاص کرد. ماده (۲۳) اعلامیه حقوق بشر نیز در این زمینه مقرر کرده است: «هرکسی حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایتبخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری، مورد حمایت قرار گیرد. همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت دارند».

انتخاب شغل به مجموعه عواملی مانند عوامل محیطی، وضع خانواده، حرفه‌ای که نزدیکان فرد بدان شغل اشتغال دارند، درجه کشش فرد به جهات معنوی و مادی شغل، توانایی جسمی و روحی و ده‌ها عامل دیگر که اراده شخص را در قالب انتخاب قرار می‌دهند وابسته است و تنها خواست و تمایل برای انتخاب شغل کافی نیست. برخی از مشاغل مانند پزشکی و قضاوت نیازمند تخصص‌هایی‌اند که بدون آنها نمی‌توان در آن زمینه‌ها شاغل شد و برخی دیگر از کارها که ساده بوده و تخصص خاصی را نیاز ندارند نیز نیازمند کسب اجازه و پروانه برای فعالیت‌اند.

بر قاعده کلی آزادی کسب و پیشه، محدودیت‌هایی نیز وارد است. از جمله ممنوعیت اتخاذ شغل‌هایی که از نظر شرعی و قانونی جایز نیستند. مانند خرید و فروش شراب یا آلات قمار. علاوه بر این محدودیت‌هایی همچون عدم اضرار به غیر، عدم اخلاص به مصالح جامعه و نظام دینی را نیز می‌توان نام برد.

## ۷. آزادی رفتار

رفتار به معنای روش، سیر، طرز حرکت و سلوک است<sup>۱</sup> و در واقع بیان‌کننده نوع عملکرد اشخاص در جامعه را گویند. آزادی رفتار به این معناست که افراد در رفتاری که از خود بروز می‌دهند، از آزادی برخوردارند. از سویی نوع برداشت از آزادی رفتار در اندیشه غربی و اسلامی متفاوت است. در باور لیبرال، فرد از نظر رفتاری آزادی کامل دارد و تنها محدودیتی که بر این آزادی وجود دارد عبارت است از اینکه «فقط مزاحم حقوق دیگران نباش، سپس هرچه می‌خواهی بکن»<sup>۲</sup>.

از دیدگاه اسلامی علیرغم پذیرش آزادی رفتار، این آزادی مطلق نیست و علاوه بر محدودیت عدم مزاحمت به دیگران، محدودیت مهم دیگری نیز بر آن وارد شده است. از نظر اسلام رفتار فرد باید مستند به اصل و قانون و اراده برانگیخته از تمایلات طبیعی و فطری و قانونی بوده باشد که

۱. فرهنگ معین، انتشارات زرین، نگارستان کتاب، ج ۲، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶۳.

۲. آنتونی آربلاستر، لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط، پیشین، ص ۸۰.

آزادی رفتار در این صورت آزادی معقول خواهد بود.<sup>۱</sup> در این صورت رفتار او مطابق ضوابط شرعی خواهد بود که آن در طبیعت و فطرت بشر ریشه دارند.

### ب) آزادی‌های مدنی

علاوه بر آزادی‌های فردی که انسان از حیث انسان بودن باید آنها را داشته باشد، آزادی‌های دیگری نیز وجود دارند که انسان به لحاظ عضویت در اجتماع واجد آن می‌شود و دیگران و به‌ویژه دولت ملزم به رعایت و تأمین و تحقق آنها است. از جهتی ممکن است که یک عمل آزاد انسان بر دو قسم از آزادی فردی و مدنی منطبق شود. زیرا حیثیت و لحاظ تقسیم‌بندی آزادی به مدنی و فردی متفاوت است. برای مثال آزادی عقیده هم مقتضای نفس انسانیت و هم قوانین عقلایی برای حمایت از شهروندان، حاکم را به تأمین آن ملزم می‌کند. آزادی احزاب، انجمن‌ها و اجتماعات، آزادی عقیده، آزادی اقلیت‌های دینی و آزادی بیان از جمله آزادی‌های مدنی به‌شمار می‌آیند.

#### ۱. آزادی احزاب، انجمن‌ها و اجتماعات

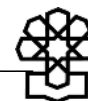
به‌صورت طبیعی هر فرد و جامعه هدفداری نباید در رسیدن به اهداف خود از هیچ تلاش فردی و گروهی فروگذار کند. جامعه اسلامی نیز که اهداف عالی انسانی و الهی را پیش روی خود دارد برای تحقق آن اهداف از تلاش‌های افراد و گروه‌ها بی‌نیاز نخواهد بود. در کنار تلاش‌ها و حرکت‌های فردی که در جامعه در مسیر رشد و تعالی صورت می‌گیرند، فعالیت‌های گروهی و جمعی از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردارند. آزاد بودن تشکیل گروه‌ها و اجتماعات و انجمن‌ها برای تحقق اهداف عالی جامعه از مسائلی است که نمی‌توان منکر آنها شد. این امر در اسلام با مبنای امر به معروف و نهی از منکر و لزوم تعاون بر نیکی<sup>۲</sup> قابل پذیرش است.

بند «۱» ماده (۲۰) اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در همین زمینه مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد همان‌طور تشکیل احزاب و انجمن‌ها و اجتماعات آزاد است عضویت در آنها نیز آزاد است و نمی‌توان کسی را مجبور به عضویت در حزب یا انجمنی کرد».

تشکیل و فعالیت احزاب و انجمن‌ها در عین حال که آزاد است تابع شرایط و مقررات و محدودیت‌هایی نیز خواهد بود. ماده (۲۱) میثاق حقوق مدنی و سیاسی چنین مقرر می‌دارد: «حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق، تابع هیچ‌گونه محدودیتی

۱. علامه جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، پیشین، ۳۹۲.

۲. سوره مائده، آیه ۲.



نمی‌تواند باشد جز آنکه برطبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دمکراتیک به مصلحت امنیت عمومی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد».

## ۲. آزادی عقیده

از جمله مهمترین آزادی‌هایی که همواره مورد بحث قرار گرفته، آزادی عقیده است. عقیده در لغت از اعتقاد و از ماده عقد و انعقاد و بستن و منعقد شدن<sup>۱</sup> گرفته شده و به معنای چیزی است که با ذهن و روح و روان انسان پیوند خورده و انعقاد می‌یابد.<sup>۲</sup> از این جهت می‌توان عقیده را چنین تعریف کرد که حصول ادراک تصدیقی در ذهن انسان است.<sup>۳</sup> منشأ عقیده ممکن است مختلف باشد. گاهی اوقات، اندیشه و برهان و گاهی وهم و خیال یا بازتاب عادت‌ها عقیده‌ای را ایجاد می‌کنند. از نظر مطابقت با واقع نیز ممکن است عقیده‌ای به دلیل ریشه گرفتن از امری خرافی یا تلقین‌ها و اوهام نادرست باشد و حتی جنبه ضدارزش داشته باشد یا ممکن است عقیده‌ای صحیح و درست و ارزشی باشد.

واقعیت این است که عقیده اصیل امری بی‌پایه نیست و با صرف برانگیختن احساسات و عواطف به‌دست نمی‌آید. این عقیده زمانی به‌دست می‌آید که دارای پایه‌ها و مبانی خردپذیر باشد که عبارتند از:

۱. با اندیشه‌های عالی معارضه نداشته باشد.
  ۲. با کرامت انسانی سازگار باشد.
  ۳. براساس واقعیت‌ها و نه اوهام و پندارها استوار باشد.
  ۴. ریشه در حقایق نهفته در جهان هستی داشته باشد.
  ۵. دارای غایت بوده و فلسفه‌ای روشن برای متعالی زیستن انسان فراهم سازد.
  ۶. انسان را به مرحله نهایی کمال و تعالی برساند که هدف آفرینش انسان است.<sup>۴</sup>
- در نظام آفرینش - در مرحله تکوین - انتخاب راه و عقیده اجباری نیست و از این جهت حتی دین را - که مجموعه‌ای از اعتقادات ویژه است - هرگز نمی‌توان بر کسی تحمیل کرد. اگر اصول و مبادی دیانت برای کسی حاصل نشود، دین نیز به قلمرو جانش پای نمی‌نهد. در عین حال این بدان معنا نیست که انسان در انتخاب عقیده - در مرحله تشریح - آزاد است تا به هر سو که خواست میل

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، احمد شکوری حسینی، ناشر: مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ هـ ش، ج ۳، ص ۱۰۳.

۲. لسان العرب، ج ۵، ص ۶۵.

۳. علامه طباطبایی، میزان، ج ۴، ص ۱۱۷.

۴. سیدحسین اسحاقی، آزادی در اسلام و غرب، مرکز پژوهش‌های صداوسیما، تهران، ۱۳۸۴، ص ۶۶.

کند و خدا نیز بدین میل او ارج نهد.<sup>۱</sup>

قرآن کریم در آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید: در پذیرش دین اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است.

«اکراه» به معنای آن است که کسی را به اجبار وادار به کاری کنند. در جمله: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، دین اجباری نفی شده است، زیرا دین عبارت از یک سلسله معارف علمی است که معارفی عملی را به دنبال دارد و جامع همه آن معارف اعتقادی بوده و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد. زیرا کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری بوده که عبارت از حرکاتی مادی و بدنی (مکانیکی) است، و اما اعتقاد قلبی علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد و ممکن نیست که نادانی، دانایی را نتیجه دهد یا مقدمات غیرعلمی، تصدیقی علمی را ایجاد کنند.<sup>۲</sup>

کسانی به اشتباه و با استناد به این آیه گمان کرده‌اند که از نظر اسلام اینکه عقیده اجباری نیست، پس هرکسی از حقی به نام آزادی عقیده برخوردار بوده و به‌موجب آن باید به هر عقیده‌ای احترام گذاشت. از دیدگاه اسلامی آزادی عقیده به‌عنوان حقی طبیعی و فطری و جزئی از حقوق بشر شناخته می‌شود و هرکسی اختیار دارد هر عقیده‌ای که دلش می‌خواهد انتخاب کند. اگر کسی بخواهد به‌خاطر عقیده شخص دیگر متعرض او بشود، با حقی که طبیعت و به اصطلاح خلقت به بشر داده، مبارزه کرده و درواقع ظلم کرده و از اساس نادرست است. بشر حق فطری و حق طبیعی دارد ولی حق طبیعی و فطری بشر این نیست که هر عقیده‌ای را که انتخاب کرد به‌موجب این حق محترم باشد. از این جهت درست نیست که گفته شود انسان از جهت انسان بودن محترم است. پس محترم بودن اراده و انتخاب انسان یا هرچه او به اراده خود انتخاب کرده درست باشد و کسی حق تعرض به او را نداشته باشد، درست نیست. از دیدگاه اسلام، انسان گرچه محترم است، ولی آیا لازمه احترام انسان این است که انتخاب او محترم باشد؟! یا لازمه آن این است که استعدادها و کمالات انسانی محترم باشد؟ لازمه احترام انسان این است که استعدادها و کمالات و انسانیت او محترم باشد.<sup>۳</sup>

از آنجا که توحید اساس تمامی نوامیس و احکام اسلامی است، امکان ندارد که اسلام آزادی در عقیده را تشریح کرده باشد. اگر آیه لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ بخواهد چنین چیزی را تشریح کند، تناقض ایجاد شده و مانند این است که دنیای امروز قوانینی را تشریح بکند و آنگاه در پایان قانونی را

۱. جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، پیشین، ۱۹۵.

۲. علامه طباطبایی، المیزان، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۲-۳۴۳.

۳. مطهری، آشنایی با قرآن (آیاتی از سوره انفال و توبه)، تهران، صدرا، ج ۴، بهار ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۲۲۲.



اضافه کند که مردم در عمل به این قوانین آزادند، اگر خواستند عمل نکنند و اگر نخواستند دوری جویند. به هر حال به دست آمدن عقیده - عبارت از درک تصدیقی، در ذهن انسان - عمل اختیاری او نیست تا شخص را از عقیده‌ای منع و یا در عقیده دیگر آزاد گذاشت، بلکه آنچه در عقاید تحت تکلیف در می‌آید، لوازم عملی آن است، یعنی پاره‌ای از کارها را که با مقتضای عقیده خاص منافات دارد منع و پاره دیگر را که مطابق مقتضای آن عقیده است تجویز کرد.<sup>۱</sup>

از دیدگاه اسلامی به جبر عقیده‌ای ایجاد نمی‌شود و سخن از آزاد بودن عقیده امری واضح است. در عین حال این آزاد بودن عقیده نباید به حدی برسد که حیات آدمی را از قابلیت تفسیر و توجیه ساقط کند. از این رو باید گفت آزادی عقیده به طور مطلق قابل پذیرش نیست.

متفکران اسلامی میان آزادی اندیشه و آزادی عقیده تفکیک قائل شده‌اند. اندیشیدن عبارت است از به کارگیری نیروی عقل برای یافتن حقایق، خطاب‌های قرآنی مانند «افلا تتفكرون»،<sup>۲</sup> «افلا تعقلون»<sup>۳</sup> ناظر به این مسئله است. آزادی اندیشه در دو مورد قابل بررسی است:

۱. اندیشه‌هایی که مربوط به تحقیق و کشف و تنظیم موضوعات عالم طبیعت و ابعاد طبیعی انسان بوده و علوم تحقق آنها را برعهده گرفته است. این اندیشه‌ها بدون هیچ قید و شرطی آزادند غیر از مواردی که نتیجه آنها به ضرر بشریت تمام شود.

۲. اندیشه‌هایی که درباره هویت معنایی انسان و بایستگی‌ها و شایستگی‌های او صورت می‌گیرند و اندیشه‌هایی که در مورد مسائل مربوط به کل هستی‌اند و در تعیین ارزش و موقعیت انسانی تأثیر می‌گذارند. در این حوزه برای حفظ مغز و روان افراد جامعه از اختلال و اضطراب و اجتناب از غوطه‌ور شدن در خیالات باید قانونی برای اندیشه‌ها وجود داشته باشد. این قانون عبارت است از: هدف قرار دادن کشف و شناخت حیات معقول انسان‌ها در جهانی معقول و هدفدار.<sup>۴</sup>

در مقابل دیدگاه اسلام که آزادی عقیده را به صورت مطلق قبول ندارد و برای آن تفکیک‌ها و محدودیت‌هایی قائل است، دیدگاهی وجود دارد که گفته عقیده مربوط به حوزه شخصی است و نه حوزه عمومی. از این جهت امری کاملاً آزاد و مطلق است. جان استوارت میل باور دارد فقط زمانی می‌توان زوری را به حق بر هر یک از افراد یک اجتماع متمدن و در برابر اراده آنها اعمال کرد که منظور جلوگیری از آسیب به دیگران باشد، لکن خیر و صلاح مادی یا اخلاقی خود فرد نمی‌تواند دلیلی موجه و کافی برای اعمال زور بر او باشد. وی معتقد است هر فرد فقط برای آن بخش از

۱. طباطبایی، المیزان، پیشین، ج ۴، ص ۱۱۷.

۲. سوره انعام، آیه ۵۰.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۶۹.

۴. علامه جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۳۷۴ و ۳۷۵.

اعمال خود در برابر اجتماع مسئول است که به دیگران مربوط می‌شود و در آن بخش که به خود او مربوط می‌شود آزادی‌اش حتماً مطلق است.<sup>۱</sup>

به هر حال به دو نکته باید توجه کرد:

اول - اینکه فرد و اجتماع دو مقوله مستقل و مجزا از یکدیگر نیستند و نمی‌توان تأثیر آن دو بر یکدیگر را نادیده گرفت.<sup>۲</sup>

دوم - اینکه عقیده در برخی مسائل فردی از قبیل مسائل مربوط به جهان‌بینی، در جامعه ظهور و بروز می‌یابد. مانند اعتقاد نژادپرستی که منجر به جنایات نازی‌ها در دوره تمدن جدید شد.

در جمع‌بندی مطالب مربوط به این بخش باید گفت انسان از نظر تکوینی در پذیرش عقیده، آزاد و مختار است، نه مجبور، ولی از نظر تشریحی عقیده‌ای جز اسلام از او پذیرفته نمی‌شود. اسلام خود را برترین عقیده و دین می‌داند و بر این باور است که اگر فردی سالم و منصف به تحقیق بپردازد با کمال میل اسلام را بخواهد گزید و به سعادت دنیوی و اخروی خواهد رسید.

در این جمع‌بندی به مواردی اشاره می‌شود:

۱. اسلام اکراه و اجبار را در گزینش عقیده مردود می‌شمارد.

۲. در پذیرش اسلام و اعتقادهای اسلامی، تحقیق و یقین شرط لازم است و تقلید پذیرفته شده نیست.

۳. در دعوت به اسلام، برهان و استدلال، موعظه حسنه و جدال احسن توصیه شده است نه زور و اجبار و اکراه.<sup>۳</sup>

۴. تجویز جهاد ابتدایی در اسلام نیز نه برای تحمیل عقیده بوده، بلکه اسلام آن را با شرایط بسیار دقیقی به‌عنوان رفع موانع آزادی عقل و عقیده تجویز کرده است تا محیط باز پیدا شود که انسان‌ها بتوانند آزادانه به ندای فطرت خداجوی خود پاسخ دهند.

۵. اگر کسی اسلام را نپذیرفت اجبار در تغییر عقیده او به اسلام مجاز نیست و تا زمانی که عقیده خود را بیان نکرده است از هیچ حقوقی محروم نمی‌شود.

۶. تفتیش عقیده مجاز نیست.

از جمله محدودیت‌هایی که اسلام در زمینه اعتقادات برای مسلمانان در نظر گرفته است ممنوعیت ارتداد است. اسلام هرگونه تحمیل را در پذیرش دین محکوم می‌شمارد و بر ایمان آگاهانه انسان‌ها اصرار می‌ورزد، ولی پس از پذیرش اسلام ترک دین را اجازه نمی‌دهد. مرتد کسی است که

۱. جان استوارت میل، رساله‌ای درباره آزادی، جواد شیخ الاسلامی، ص ۴۹، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۳.

۲. لین ولنکستر، خداوندان اندیشه سیاسی، علی رامین، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ج ۳، ص ۱۲۸۷.

۳. سوره نحل، آیه ۱۲۵.



مسلمان بوده و سپس از اسلام خارج شده و کفر اختیار کرده است.<sup>۱</sup> فقهای امامیه مرتد را از نظر حکم به دو دسته فطری و ملی تقسیم کرده‌اند. مرتد فطری کسی است که پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه او مسلمان بوده‌اند و خودش نیز پس از بالغ شدن اظهار اسلام کرده و سپس از اسلام خارج شده است.<sup>۲</sup> مرتد ملی کسی است که پدر و مادر او در حال انعقاد نطفه او کافر بوده‌اند و خود او نیز پس از بلوغ اظهار کفر کرده و در نتیجه کافر اصلی شده و آنگاه مسلمان شده و سپس به کفر برگشته است.<sup>۳</sup>

### ۳. آزادی اقلیت‌های دینی

اسلام اجبار و اکراه را در پذیرش دین جایز نمی‌داند، از این رو برای کسانی که در ذیل حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، آزادی قائل بوده و به آنها اجازه زندگی و برخورداری از مواهب و خدمات حکومت اسلامی را می‌دهد. در فقه، اقلیت‌های دینی پیروان ادیان آسمانی‌اند.<sup>۴</sup> آیاتی از قرآن کریم<sup>۵</sup> و سیره پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) در برخورد با اهل کتاب مؤید پذیرش آزادی این اقلیت‌هاست. به‌عنوان مثال زمانی که پیامبر اکرم (ص) در مدینه حکومت اسلامی تأسیس کردند یهودیان را مجبور به تغییر عقیده و پذیرش اسلام نکردند، بلکه با آنان پیمان صلح منعقد ساختند و زندگی مسالمت‌آمیز با آنان را در پیش گرفتند.<sup>۶</sup> در حکومت اسلامی، اقلیت‌های دینی از آزادی‌هایی مانند آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی مالکیت، آزادی مسکن و رفت‌وآمد، آزادی شعائر دینی، آزادی‌های سیاسی برخوردارند. آزادی‌های مذکور برای اقلیت‌های دینی تابع احکام و قواعد و ضوابطی است که از سوی حکومت اسلامی تعیین می‌شوند و آنان موظفند که آزادی‌های خود را در چارچوب این قوانین و مقررات اعمال کنند.

### ۴. آزادی بیان

آزادی بیان از مهمترین مظاهر آزادی انسان است که اسلام آن را جزء حقوق مسلم او دانسته و بیان و قلم را که از مهمترین ابزارهای این آزادی محسوب می‌شوند مورد تکریم و تقدیس قرار داده است.<sup>۷</sup> بر این مبنا رشد اندیشه‌ها و بالا رفتن آگاهی‌ها و بصیرت‌ها در جامعه برای فراهم آوردن محیطی است که در آن اندیشه‌های مختلف بتوانند آزادانه در مورد مسائل گوناگون فرهنگی،

۱. امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، اسماعیلیان، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۸۴.

۲. تحریرالوسیله، ج ۴، ص ۱۸۵.

۳. تحریرالوسیله، ج ۴، ص ۲۴۳.

۴. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۰.

۵. سوره آل عمران، آیه ۶۴.

۶. ابن‌هشام، عبدالملک حمیری، السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربیه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۴۷.

۷. سوره الرحمن، آیه ۴ - سوره قلم، آیه ۱.

اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، به تضارب آرا بپردازند. آزادی بیان ممکن است در عرصه‌های گوناگونی نمودار شود. از جمله اظهار موضع و عقیده خود در مورد مسائل گوناگون، پیشنهاد و انتقاد، آزادی مطبوعات و دیگر رسانه‌های جمعی.

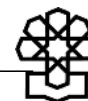
در آزادی بیان به مواردی در منابع اسلامی می‌توان اشاره کرد. آیات گوناگونی از قرآن کریم همچون آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر، آیه ۶ سوره توبه، آیه ۱۲۵ سوره نحل، آیه ۱۱۱ سوره بقره از آن جمله است. در سیره معصومین (ع) نیز می‌توان موارد متعددی در این زمینه یافت. از آن جمله می‌توان به عهدنامه مالک اشتر اشاره کرد. حضرت علی (ع) در این عهدنامه از مالک می‌خواهد که قسمتی از وقت خود را به مردم اختصاص دهد تا آنان در کمال آزادی و بدون هیچ لکتت زبانی، نیازها، اعتراضات و شکایات خود را مطرح کنند.<sup>۱</sup>

از جمله مبانی مهم دیگر که برای آزادی بیان شده، امر به معروف و نهی از منکر است. در اسلام امر به معروف و نهی از منکر از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگی است که در پرتو آن سایر واجبات برپا می‌شود، در غیر این صورت خشم الهی شامل مردم شده و همگان گرفتار عذاب خدا خواهند شد، نیکان در خانه بدان، و خردسالان در خانه بزرگان به هلاکت می‌رسند، (بدانید) که امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان و فریضه بزرگی است که در پرتو آن سایر فرایض برپا می‌گردد و راه‌ها امن می‌گردد و تجارت و کاسبی مردم حلال گشته و هرگونه ظلم و جور برچیده می‌شود و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و همه کارها روبراه می‌گردد».<sup>۲</sup>

امام علی (ع) فرموده‌اند: «گروهی از مردم با دست و زبان و قلب بر مبارزه با منکرات برمی‌خیزند، آنها تمام خصلت‌های نیک را به‌طور کامل در خود جمع کرده‌اند، گروهی دیگر با زبان و قلب نهی از منکر می‌کنند، اینها به دو خصلت نیک تمسک جسته‌اند و یکی را از دست داده‌اند، گروهی دیگر تنها با قلبشان مبارزه می‌کنند، اما مبارزه با دست و زبان را ترک کرده‌اند، این گروه بهترین خصلت‌ها را از این سه، ترک گفته و تنها یکی را گرفته‌اند و گروهی دیگر نه با زبان و نه با دست و نه با قلب منکر را انکار نمی‌کنند، اینها در حقیقت مردگانی در میان زندگان هستند. (بدانید) تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای است در مقابل دریای پهناور و (بدانید) امر به معروف و نهی از منکر نه مرگ کسی را نزدیک می‌کند و نه از روزی کسی می‌کاهد و اما از همه اینها مهمتر سخنی است که برای دفاع از عدالت در برابر پیشوای

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵.



ظالم و ستمگر گفته می‌شود».<sup>۱</sup>

با توجه به چنین جایگاه والایی که امر به معروف و نهی از منکر دارد طبیعی است که برای تحقق این فریضه الهی باید ابزار لازم برای آن نیز مجاز باشد. آزادی بیان از جمله ضروری‌ترین ابزارهایی است که باید برای تحقق اهداف مورد نظر از امر به معروف و نهی از منکر بدان قائل شد.<sup>۲</sup>

اگرچه حق هرکس است که آنچه را حق می‌داند ابراز و با قلم و بیان از آن دفاع کند، ولی آزادی بیان بی‌قید و شرط نیست. بلکه مشروط است به اینکه نوشته و گفته آدمی خارج از آداب عمومی و اخلاق نیک و مغایر با نصوص و قواعد شرعی نباشد. حتی دامنه آزادی پیامبر اکرم (ص) نیز محدود بود. قرآن پیامبر را ملزم کرد که در دعوت خویش به حکمت و موعظه حسنه توسل جوید و بهترین صورت احتجاج را برگزیند، از جاهلان دوری گزیده و سخن ناپسند را ابراز ندارد و مبلغان شرک را ناسزا و دشنام نگوید.<sup>۳</sup>

در اسلام از جمله محدودیت‌هایی که می‌توان برای آزادی بیان نام برد عبارت است از: اخلاق و تضعیف مبانی دین از طریق همچون ارتداد و افترای به خدا، بدعت و ابراز نظر در مسائل شرعی براساس هوی و هوس،<sup>۴</sup> غیبت، توهین، مسخره کردن، افشای اسرار و عیوب دیگران،<sup>۵</sup> قذف،<sup>۶</sup> افترا و نسبت دادن کفر به مسلمانان،<sup>۷</sup> ترویج فساد و فحشا،<sup>۸</sup> توهین به مقدسات<sup>۹</sup> و فتنه و ایجاد وحشت و اضطراب در مردم و افشای مسائل امنیتی و اطلاعاتی و اسرار کشور.<sup>۱۰</sup>

### ج) آزادی‌های سیاسی

علاوه بر آزادی‌های فردی و مدنی، نوع دیگری از آزادی وجود دارد که به آزادی سیاسی معروف است. در اندیشه سیاسی، اصل آزادی سیاسی با محدودیت دولت پیوند می‌خورد و در واقع مسئله محدودیت دولت بر این اندیشه استوار است که میان منافع فرد از یک‌سو و منافع اجتماع که دولت نماینده آن است از سوی دیگر یک نوع تخالف و تنافر وجود دارد. از این‌رو دولت مطلوب آن است که

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت (ع) قم، ۱۴۰۹ هـ.، ج ۱۶، ص ۱۳۴.

۲. ناصر کاتوزیان و همکاران، آزادی اندیشه و بیان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۵.

۳. عبدالقادر عوده، التشریح الجنائی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، الجزء الاول، طبع الرابع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ص ۳۹.

۴. سوره انعام، آیه ۲۱ - سوره قصص، آیه ۵۰.

۵. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۶. سوره نور، آیه ۲۳.

۷. سوره نساء، آیه ۹۴.

۸. سوره نور، آیه ۱۹.

۹. سوره انعام، آیه ۱۰۸.

۱۰. سوره نساء، آیه ۸۳.

قلمرو هرچه وسیع‌تری را برای حقوق فردی در نظر بگیرد و خود را به دخالت در آن قلمرو مجاز نداند.<sup>۱</sup> البته دولت در اندیشه اسلامی ریشه‌ای الهی دارد و رهبر جامعه براساس تعالیم الهی جامعه را اداره می‌کند و نه براساس میل و هوی و هوس شخصی. ازاین‌رو در حکومت اسلامی تضاد و تنافری بین سعادت فرد و جامعه وجود ندارد و اهداف دولت نیز نمی‌توانند و نباید در جهتی باشند که مصالح و سعادت مردم را به مخاطره اندازد.

منظور از آزادی سیاسی عبارت است از: انجام دادن کارهای مختلفی که حکومت مردمی اقتضا می‌کند، این کارها شامل استفاده از ابزارهایی است که از طریق آنها شهروند بتواند صدای خود را به گوش دیگران برساند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشد.<sup>۲</sup> آزادی سیاسی، بخشی از حقوق افراد است که به‌موجب آن می‌توانند حق حاکمیت داشته باشند، خواه به‌طور مستقیم یا از طریق انتخاب نمایندگان.<sup>۳</sup> آزادی سیاسی شامل هر نوع فعالیت می‌شود که بر سرنوشت سیاسی جامعه تأثیر می‌گذارد. بر این اساس تشکیل احزاب و جمعیت‌ها، مطبوعات و رسانه‌های جمعی و مشارکت در انتخاب زمامداران، نظارت بر آنها، حق مورد انتخاب قرار گرفتن برای تصدی مشاغل حکومتی را می‌توان از مصادیق حقوق و آزادی‌های سیاسی دانست.

از دیدگاه اسلام در عرصه حیات سیاسی، اصل ولایت الهی جاری است که این اصل در قالب ولایت پیامبران، امامان و فقیهان پارسا و با کفایت ظهور یافته است. این نظام سیاسی با اتکا به تعالیم الهی در صدد تأمین حقوق و آزادی‌های مردم بوده و شرایط مساعد برای رشد و شکوفایی استعداد افراد جامعه را فراهم می‌سازد. حکومت اسلامی ضمن در برداشتن مزایای نظام‌های دمکراتیک از معایب آنها برکنار است. احترام نهادن به حقوق طبیعی و فطری و قانونی افراد، نفی خودکامگی در عرصه‌های سیاسی، صیانت از آزادی‌های مشروع افراد، تساوی افراد در برخورداری از ثروت‌های ملی و امکانات دولتی بدون توجه به نژاد، رنگ، زبان و قومیت و توجه ویژه به مستضعفان و محرومان جامعه، ازجمله مزایای حکومت اسلامی و نظام سیاسی مبتنی بر اسلام است. در این رابطه آزادی انتخاب، آزادی نظارت بر حکومت، آزادی احزاب ازجمله مهمترین آزادی‌های سیاسی به‌شمار می‌روند:

### ۱. آزادی انتخاب

خداوند به انسان آزادی بخشیده تا او در انتخاب آزاد باشد. از آنجا که انسان دارای درک و قدرت تشخیص و عقل است باید انتخابی آگاهانه داشته باشد. این انتخاب چه در اصل پذیرش دین و چه

۱. محمدعلی موحد، در هوای حق و عدالت، نشر کارنامه، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱.

۲. کارل کوهن، دمکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۴.

۳. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۳۱.



در انتخاب زمامداران خواهد بود. انسان حاکم بر سرنوشت خود است و باید با مسئولیتی که در برابر خالق دارد، راه آینده‌اش را براساس تعقل و حکمت انتخاب کند.

در بحث آزادی انتخاب، علاوه بر آزادی انتخاب کردن باید آزادی و حق انتخاب شدن را نیز برای افراد جامعه پذیرفت. چنانچه فردی دارای شرایط لازم برای احراز مسئولیتی باشد از این حق برخوردار خواهد بود که خود را برای تصدی آن در معرض انتخاب عموم قرار دهد.

## ۲. آزادی نظارت بر حکومت

از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم، نظارت بر حکومت و زمامداران است. از دیدگاه اسلام، مردم حق نظارت بر حکومت و زمامداران را دارند<sup>۱</sup> و حاکمان نیز ملزم به پاسخگویی و آماده کردن سازوکار نظارتند. از جمله مبانی این حق در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است. این فریضه در اسلام از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است و برای تحقق آن شرط نیست که حتماً امر به معروف و نهی از منکر از سوی حکام نسبت به مردم یا فقط در بین خود مردم صورت گیرد، بلکه از جمله مصادیق عالی امر به معروف و نهی از منکر کردن را می‌توان به حکومت و مسئولان از سوی مردم اشاره کرد. این امر تحت عنوان «النصیحه لائمة المسلمین» نیز در تعالیم اسلامی مطرح شده است. در حدیثی از نبی مکرم اسلام (ص) وارد شده که فرمودند: «دین، نصیحت و خیرخواهی است. اصحاب گفتند: ای رسول خدا، نصیحت و خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمودند: برای خدا، برای کتاب او، برای پیامبر او، برای پیشوایان مسلمانان و برای عموم آنها»<sup>۲</sup>.

با پذیرش آزادی نظارت باید لوازم آن از جمله آزادی انتقاد نیز مورد پذیرش قرار گیرد. نظارت مردم بر مسئولان می‌تواند در قالب انتقاد از آنها صورت گیرد. قلمرو انتقاد در اسلام به گونه‌ای گسترده است که معصومان حتی کج خلقی و تهدید مخالفان و منتقدان را تحمل و بالاتر از آن، اصحاب و پیروان خویش را به بردباری و صبوری تشویق می‌کردند. نمونه بارز این امر در حکومت علوی قابل مشاهده است. خوارج در کوفه به‌ویژه مسجد کوفه آزادانه به ابراز مخالفت با امام (ع) می‌پرداختند و حتی ایشان را تهدید به مرگ می‌کردند.<sup>۳</sup> حضرت در قبال آنها علاوه بر تحمل این مخالفت‌ها، حقوق آنان را از بودجه عمومی قطع نکرد و تصریح فرمود مادامی که آنان دست به سلاح نبرند، حقوق آنان پرداخت خواهد شد.<sup>۴</sup>

۱. نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۹، ص ۷۸ و ۷۹.

۲. محمدبن حسن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، ج ۲، ص ۴۲۴.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۷۹.

۴. محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۸۷۹ م، ج ۵، ص ۶۳ - ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۹۳.

البته تنها محدودیتی که می‌توان برای انتقاد قائل شد عبارت از این است که انتقاد حالت توطئه به خود گیرد.<sup>۱</sup> اگر منتقدی در پوشش انتقاد، قصد توطئه و تشویش اذهان عمومی را داشته باشد حکومت اسلامی باید از آن جلوگیری کند.<sup>۲</sup>

### ۳. آزادی احزاب

حزب واژه‌ای عربی است و به معنای گروهی از مردم به‌کار می‌رود.<sup>۳</sup> از نظر سیاسی نیز حزب به هیئتی از مردم اطلاق می‌شود که به‌خاطر پیشبرد منافع ملی با کوشش مشترک براساس اصول سیاسی مورد توافق متحد می‌شوند.<sup>۴</sup>

از دیدگاه اسلام، نظام سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی، نظام ولایی است. از این رو هرگونه اتفاق و اتحاد و ایجاد حزب و گروهی از سوی مردم جامعه باید براساس پذیرش این نظام و در راستای تقویت و پیشبرد اهداف آن باشد. در این معنا حزب با آنچه در جوامع غربی از آن اراده می‌شود، متفاوت خواهد بود. حزب در مبنای اول به معنای یک کانال‌کشی در درون جامعه، برای گسترش فکر درست - چه فکر عقیدتی و اسلامی، چه فکر سیاسی و تربیت کادرهای گوناگون - امری ممدوح و پسندیده و مفید برای جامعه است. حزب بر مبنای دوم شامل مجموعه‌ای برای کسب قدرت می‌شود. بر همین اساس گروهی با هم همراه شده و از سرمایه و پول و امکانات مالی خود یا دیگران به هر طریقی برای رسیدن به قدرت بهره می‌برند و این امری مذموم بوده و مورد تأیید اسلام نیست.<sup>۵</sup> زیرا صرف کسب قدرت یا در دست گرفتن حکومت موضوعیتی ندارد، بلکه آنچه اهمیت دارد تقویت نظام الهی و حرکت دادن جامعه در مسیر رشد و تعالی و رساندن آن به مرتبه اعلای انسانیت و توحید است.

### فصل سوم - جایگاه آزادی در سیاست‌ها

نظام جمهوری اسلامی ایران، برپایه اسلام و تعالیم ناب آن بنا نهاده شده است. حقوق و آزادی‌های افراد از جمله مهمترین مسائلی‌اند که در این نظام همواره مورد توجه قرار گرفته و در قوانین و سیاست‌های نظام جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ترجمان خواسته‌ها و آرمان‌های ملت ایران و نشان‌دهنده جهت و مسیر حرکت مردم است،

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.

۲. محمدحسن قدردان قراملکی، آزادی در فقه و حدود آن، ص ۲۴۴.

۳. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰.

۴. عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۳.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۷.



ترسیم‌کننده چارچوب کلی برای نحوه تأمین حقوق و آزادی‌های افرادند. علاوه بر قانون اساسی برخی دیگر از اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام گویای اهتمام نظام جمهوری اسلامی ایران برای تأمین حقوق و آزادی‌های افراد جامعه‌اند.

## قانون اساسی و آزادی

### ۱. جایگاه آزادی در قانون اساسی

قانون اساسی در واقع سند حقوقی و سیاسی جامعه سیاسی است که قدرت را تنظیم و آزادی مردم را تضمین می‌کند. امام خمینی (ره) در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی تأکید کرده‌اند «... سعی شود که در آن کلیه حقوق و آزادی‌ها و فرصت‌های رشد و تعالی و استقلال این ملت بر مبنای موازین اسلامی که ضامن حقوق حقه افراد است ... پیش‌بینی گردد»<sup>۱</sup>.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آزادی در تمام شئون آن به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین و اساسی ملت تأکید شده است. آزادی عقیده و منع تفتیش عقاید در اصل بیست‌ونهم، آزادی مطبوعات در اصل سی‌ام، آزادی احزاب و تشکلهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی و شرکت در آنها در اصل سی‌ویکم، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح در اصل سی‌ودوم و آزادی شغل در اصل سی‌وسوم در فصل مربوط به حقوق ملت مورد تأکید قرار گرفته است. اهمیت آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حدی است که مطابق اصل نهم آن، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر شمرده و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت دانسته شده است. در ادامه همین اصل تأکید شده که هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

تفسیر مفهوم و قلمرو آزادی‌های گوناگونی که در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته‌اند، باید بر اساس دیدگاه اسلام صورت گیرد. زیرا مطابق اصل چهارم قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است».

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۸۲.

### ۱-۱. آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خدا

آزادی در مفهوم اسلامی از تعهد انسان در برابر خداوند متعال و التزام به ولایت او و تسلیم شدن در برابر حاکمیت الهی تفکیک‌ناپذیر است. این امر در اصل دوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این اصل، جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین،

۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا،

۴. عدل خدا در خلقت و تشریح،

۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در انقلاب اسلامی.

براساس این اصل در کنار بیان نوع جهان‌بینی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران، آزادی نیز در پرتو آن مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. از این رو در بند «۶» اصل دوم، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند مدنظر قرار گرفته است. در این اصل گنجاندن آزادی به عنوان یکی از اصول کلی و پایه قانون اساسی در واقع نشان‌دهنده این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انسان را مجبور در یک جبر و سرنوشت اجتماعی و اقتصادی یا هر نوع جبر دیگر نمی‌داند و گنجاندن قید آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند روشنگر این نکته بوده که قانون اساسی انسان را آزاد مطلق نمی‌داند، بلکه از دید تکوینی آزاد بوده و آزادی او در طول اراده خداوند قرار گرفته است و نه در عرض آن.<sup>۱</sup> آزادی فکورانه به تلاش و تکاپوی انسان جهت می‌بخشد و افراد و جوامع را به سوی شرافت و عزت راهبری می‌کند.<sup>۲</sup> از این رو انسان در قبال آزادی خود هم در برابر خداوند و هم دیگران مسئول است. از این جهت آزادی خود را به گونه‌ای به کار می‌برد که منافی عبودیت و بندگی او در مقابل پروردگار یکتا نباشد و موجب تعدی به حقوق خود و دیگران نشود.

بند «۶» و «۷» و «۸» اصل سوم نیز در مقام بیان اهداف و تکالیف دولت جمهوری اسلامی

ایران اصل آزادی را که از بند «۶» اصل دوم استخراج شد، تأیید می‌کند:<sup>۳</sup>

- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

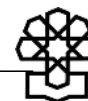
- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۱. سید محمدحسین بهشتی، مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره کل امور فرهنگی و

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲. محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳. ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، ص ۴۲۸.



- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.  
بند «۲» اصل یکصد و پنجاه و ششم قوه قضائیه را موظف به احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع دانسته و رئیس‌جمهور نیز در سوگند خود به لزوم حمایت از آزادی‌های مشروع اشاره می‌کند: «من به‌عنوان رئیس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که ... از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم».

## ۲-۱. انواع آزادی در قانون اساسی

### ۲-۱-۱. آزادی‌های فردی

#### • آزادی حق حیات

حق حیات و زندگی یکی از حقوق فطری و طبیعی انسان به حساب می‌آید. از دیدگاه اسلام این حق باید از سوی همگان حتی خود فرد محترم شمرده شود. مطابق اصل بیست و دوم قانون اساسی، «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». مطابق این اصل جان و حیات افراد، محترم و در حمایت قانون قرار دارد. هیچ فرد یا گروهی حق تعرض به جان افراد را ندارد. در انتهای این اصل، استثنای عدم تعرض به حیات و جان افراد بیان شده است. مطابق ذیل این اصل، در مواردی که قانون تجویز کند، جان افراد می‌تواند مورد تعرض قرار گیرد. علت اینکه علیرغم ارزش و کرامت انسان، حیات و جان افراد گاهی اوقات احترام و ارزش خود را از دست می‌دهد را باید در اعمال افراد جستجو کرد. درست است که خداوند متعال به بنی آدم کرامت عطا کرده، اما ارزش و احترام آنها تا جایی است که فرد از این کرامت صیانت کند. طبیعی است کسی که با دست خود این ارزش و کرامت را زیر پا می‌گذارد، احترامی نخواهد داشت. بر این اساس در قوانین جمهوری اسلامی ایران که با ابتدای بر تعالیم شرع تدوین یافته، موارد و استثنائات حق حیات به شرح زیر بیان شده است: حق قصاص،<sup>۱</sup> مجازات اعدام،<sup>۲</sup> دفاع مشروع.<sup>۳</sup>

ضرورت احترام به حق حیات افراد - بجز در مواردی که به‌عنوان استثنا بیان شد - این است که شخصیت جسمی افراد و تمامیت جسمانی آنها نیز مصون از تعرض باشد.<sup>۴</sup> فلسفه تنظیم اصل بیست و دوم قانون اساسی نیز در واقع به رسمیت شناختن امنیت شخصی برای صیانت از جسم و

۱. قانون مجازات اسلامی، ماده (۲۰۵).

۲. همان، مواد (۸۲) و (۸۳) و (۱۱۰).

۳. همان، ماده (۶۲۹).

۴. همان، مواد (۲۲۸)، (۳۲۹) و (۳۳۱).

جان و حیثیت و شغل و مسکن و سایر حقوق آنها از تعدی و تجاوز است.<sup>۱</sup> منع بازداشت خودسرانه افراد نیز در چارچوب احترام به شخصیت انسان قابل بررسی است. بدین معنا که انسان‌ها مادامی که با ارتکاب برخی اعمال - که در قوانین بیان می‌شوند - به شخصیت انسانی خویش تعرض نکرده‌اند، از احترام و اکرام برخوردارند و چنانچه ارتکاب برخی اعمال خلاف قانون، موجب شود که برای او محدودیت‌هایی در نظر گرفت، این محدودیت‌ها نیز باید براساس قانون باشد. در همین زمینه در اصل سی‌ودوم قانون اساسی آمده که: هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.

از جمله اقتضائات دیگر احترام به شخصیت افراد این که هرگونه شکنجه و هتک حیثیت آنها ممنوع است. حتی پس از اینکه فردی به موجب قانون بازداشت یا زندانی باشد، مصونیت حیثیت افراد که از اصل بیست‌ودوم مستفاد می‌شود، اقتضا می‌کند که هرگونه شکنجه و هتک حیثیتی علیه او روا نباشد. مطابق اصل سی‌وهشتم قانون اساسی هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. کسی که برخلاف این اصل عمل کند، طبق قانون مجازات می‌شود. اصل سی‌ونهم قانون اساسی نیز مقرر داشته: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

#### • آزادی اقامت

اصل سی‌وسوم قانون اساسی مقرر داشته: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد».

مطابق این اصل هر فردی آزاد است که در هر محلی که می‌خواهد اقامت گزیند. هیچ فردی و حتی دولت حق ندارد فردی را به اقامت اجباری در غیر از محلی که مورد علاقه فرد است مجبور سازد. البته همان‌طور که در انتهای اصل سی‌وسوم اشاره شد ممکن است استثنائاتی بر این آزادی وارد شود، اما این استثنائات تنها به موجب قانون امکان‌پذیر خواهد بود. قانون نیز چنین استثنائاتی را برای حفظ امنیت ملی، نظم و اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران وضع می‌کند و برای این امر متناسب بودن با جرم و خصوصیات مجرم را در نظر می‌گیرد. در قوانین، مواردی که فرد به اقامت اجباری در یک محل مجبور می‌شود بیان شده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۶۲۳.

۲. مواد (۸۷) و (۱۳۸) قانون مجازات اسلامی - مواد (۳) و (۵) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸.



## • آزادی مسکن

اصل بیست و دوم قانون اساسی به آزادی انتخاب مسکن و سکونت در آن اشاره کرده و مقرر داشته: «مسکن افراد مصون از تعرض است. هرکسی حق دارد که با آرامش خاطر خود و خانواده‌اش را در مسکنی سکونت دهد و بدون اینکه از سوی کسی مورد تعرض و آزار و اذیت قرار گیرد، زندگی خود را پیش ببرد». در قوانین برای افرادی که با تهدید و با زور وارد منزل یا مسکن دیگران می‌شوند و حتی برای مأمورینی که بدون مجوز قانونی وارد منزل دیگران می‌شوند، مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است.<sup>۱</sup> علیرغم ممنوعیت ورود به مسکن دیگران در مواردی که قانونگذار ورود به منزل دیگری را به مصلحت جامعه دانسته اجازه ورود به مسکن دیگران را داده است.<sup>۲</sup>

در جمهوری اسلامی ایران تلاش برای تأمین این حق و آزادی عموم مردم از جمله تکالیف حکومت به‌شمار رفته است. مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترین به‌خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند».

## • آزادی کسب و پیشه

همه افراد در انتخاب شغل و حرفه مورد علاقه خود، آزادی کامل داشته و هیچ اجبار و ممانعتی در برابر انتخاب آزادانه افراد نباید وجود داشته باشد.<sup>۳</sup> مطابق اصل بیست و هشتم قانون اساسی: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند». همان‌گونه که از متن اصل بیست و هشتم استفاده می‌شود افراد آزادند هر شغلی را که تمایل دارند برگزینند، اما بر این آزادی، محدودیت‌هایی در همین اصل در نظر گرفته شده است:

اول - شغل نباید مخالف اسلام باشد. از این جهت شغل‌هایی مانند دایر کردن مرکز فحشا، قمارخانه و مشروب‌فروشی ممنوع هستند.<sup>۴</sup>

دوم - شغل نباید مغایر با مصالح عمومی کشور باشد. از این رو مشاغلی مانند استحصال و خرید و فروش مواد مخدر،<sup>۵</sup> تهیه و خرید و فروش سکه تقلبی<sup>۶</sup> ممنوع هستند.

سوم - شغل نباید مخالف حقوق دیگران باشد. مانند احداث کارخانه سنگبری در کنار

۱. ماده (۶۹۴) و (۵۸۰) قانون مجازات اسلامی.

۲. ماده (۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

۳. سعید شریعتی، حقوق ملت و دولت در قانون اساسی، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲.

۴. قانون مجازات اسلامی مواد (۷۰۳) الی (۷۰۴) و (۷۰۶) الی (۷۰۸).

۵. قانون مبارزه با مواد مخدر، مواد (۱)، (۲) و (۳).

۶. قانون مجازات اسلامی ماده (۵۱۸).

بیمارستان یا دستفروشی در مقابل مغازه‌ای که همان کالا را می‌فروشد از مصادیق شغل‌هایی خواهند بود که مخالف حقوق دیگران است.<sup>۱</sup>

قانون اساسی برای تأمین این آزادی و حق مردم، دولت را موظف کرده است تا با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.<sup>۲</sup>

آزاد بودن کسب‌وکار اقتضا می‌کند مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم شمرده شود.<sup>۳</sup> بر این اساس مطابق قانون اساسی هرکس مالک حاصل کسب‌وکار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب‌وکار خود امکان کسب‌وکار را از دیگری سلب کند.<sup>۴</sup>

### • آزادی افراد در حریم خصوصی

آزادی حریم خصوصی افراد به معنای اختیار تصمیم‌گیری در همه ابعاد زندگی خصوصی و مصون بودن شخص از دخالت دیگران در این حریم است. با استناد به این آزادی هر عملی که صورت گیرد، درست نیست و هرکس در حوزه حریم خصوصی خود نیز باید چارچوب‌های شرعی و اخلاقی را که تضمین‌کننده سعادت او باشد مراعات کند. در حریم خصوصی براساس حق آزادی افراد هرگونه تفتیش و تجسس درباره وضع جسمانی، احوال شخصی و سایر امور او، استراق سمع گفتگوهای خصوصی فرد و ضبط آن، گرفتن عکس شخص یا مونتاز و انتشار آن، بازگشایی نامه‌ها و مکاتبات شخصی و سایر روش‌های مداخله در زندگی خصوصی افراد ممنوع است.<sup>۵</sup>

اصل بیست‌وپنجم قانون اساسی برای حراست از حریم خصوصی افراد مقرر کرده: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». همان‌طور که از ذیل این اصل پیداست مصونیت زندگی و حریم خصوصی افراد نیز مانند آزادی‌های دیگر می‌تواند به‌موجب قانون جایز باشد و این جواز معمولاً در مواردی است که نظم عمومی و امنیت جامعه اقتضا کند. در مواردی که به‌موجب قانون این اجازه داده می‌شود این کار باید با کمال احتیاط صورت گیرد.<sup>۶</sup> در مواردی که تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی

۱. جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۷، سروش، تهران، ص ۹۹.

۲. ذیل اصل بیست‌وهشتم قانون اساسی.

۳. اصل چهل‌وهفتم قانون اساسی.

۴. اصل چهل‌وششم قانون اساسی.

۵. مؤتمنی طباطبایی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ص ۶.

۶. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ماده (۱۰۳).



صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی می‌تواند دستور توقیف آنها را صادر کند.<sup>۱</sup> کنترل تلفن افراد نیز جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است یا برای احقاق حقوق اشخاص مربوط باشد و از نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است.<sup>۲</sup>

## ۲. آزادی‌های مدنی

### ۲-۱. آزادی تشکیل اجتماعات، راهپیمایی‌ها، انجمن‌ها و احزاب

امروزه تأمین نیازهای مادی و معنوی اجتماعات بشری کاری بس دشوار است. از این رو افراد سعی می‌کنند با تشکیل گروه‌هایی هرچه سریع‌تر و بهتر به اهداف گوناگون خود دست یابند. افراد باید بتوانند آزادانه و به‌طور مسالمت‌آمیز دور هم گرد آیند و از افکار و عقاید یکدیگر بهره گیرند و هیچ‌گونه مانعی برای تجمع آنها وجود نداشته باشد. تجمع‌ها و گروه‌هایی که افراد تشکیل می‌دهند گاهی به‌صورت موقت شکل می‌گیرد. مانند راهپیمایی، سخنرانی، همایش و مانند آن و گاهی به شکل غیرموقت و دائمی مانند احزاب، انجمن‌ها و شرکت‌ها و... است.

#### ۲-۱-۱. تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها

اجتماعات متشکل از همایش موقتی افرادی است که برای تبادل اندیشه‌ها و نظرات یا به‌منظور دفاع از منافع مشترک تشکیل می‌شود. راهپیمایی عبارت است از اینکه گروهی از افراد با حضور در معابر عمومی و استفاده از یک فرصت نمایشی به بیان خواسته جمعی خود بپردازند.<sup>۳</sup> مطابق اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به‌شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. در این اصل آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها پذیرفته شده، ولی دو شرط برای آن در نظر گرفته شده است:

**شرط اول -** تشکیل این اجتماعات باید بدون حمل سلاح باشد. این شرط بدین منظور بیان شده است که اجتماعات و راهپیمایی‌ها به‌صورت مسالمت‌آمیز و بدون خشونت و ایجاد رعب و وحشت برگزار شوند.

**شرط دوم -** تشکیل اجتماعات یا راهپیمایی‌ها نباید محل به مبانی اسلام باشد. از این جهت اخلاص بر این مبانی، اخلاص بر نظامی است که ریشه‌های آن در اعماق باور و ایمان اکثریت مردمی قرار دارد که این نظام را تأسیس کرده‌اند.<sup>۴</sup>

۱. همان، ماده (۱۰۴).

۲. همان، تبصره ماده (۱۰۴).

۳. محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۴۲۱.

۴. قانون فعالیت احزاب و نیز آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی مصوب ۱۳۸۱/۶/۳۱ مقرراتی را در مورد نحوه تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و نظارت بر آنها مقرر کرده است.

## ۲-۱-۲. آزادی احزاب و انجمن‌ها

تشکل عبارت است از: میثاقی که براساس آن افراد متعدد با داشتن علایق و آرمان‌های مشترک، فعالیت خود را تنظیم و موضع مشترکی را به‌طور مستمر اتخاذ کنند، بدون آنکه هدف منفعت‌طلبانه اقتصادی داشته باشند.<sup>۱</sup> این تشکل‌ها با عناوین مختلفی همچون حزب، انجمن، جمعیت و صنف شناخته می‌شوند. مطابق اصل بیست‌وششم قانون اساسی «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند...». در این اصل عناوین احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده به‌کار رفته<sup>۲</sup> و آزادی تشکیل و فعالیت آنها به رسمیت شناخته شده است. در ادامه اصل برای این آزادی شرایط و محدودیت‌هایی در نظر گرفته است. این محدودیت‌ها عبارتند از: عدم نقض استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران.<sup>۳</sup> در انتهای این اصل نیز به آزاد بودن افراد برای شرکت یا عدم شرکت در این احزاب و انجمن‌ها اشاره کرده و مقرر داشته که: هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.<sup>۴</sup>

## ۲-۲. آزادی عقیده

دین گرچه از بشر می‌خواهد که در زندگی و در همه زمینه‌ها - سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی- اعتقاد الهی و توحیدی را برگزیند و از باورهای شیطانی دوری گزیند، ولی این خواسته دین از روی اجبار و اکراه نبوده و با دادن آگاهی و استفاده از ابزارهای هدایتبخش همچون تبشیر و انذار صورت می‌گیرد. آزادی عقیده چیزی است که مورد تأیید قرار می‌گیرد، ولی پذیرش این آزادی به معنای این نیست که هر عقیده‌ای از احترام برخوردار است. زیرا ممکن است عقیده برخاسته از تعصبات و آداب و رسوم و تقلیدهای کورکورانه و غیرمنطقی باشد که از احترام برخوردار نخواهد بود. اعتقادات مادامی که چهره درونی و خصوصی دارند جزئی از پیکر و ذات و سرشت انسان‌ها محسوب می‌شوند و کسی حق ندارد با تفتیش عقیده سعی در پی بردن به عقاید دیگران کند. مطابق اصل بیست‌وسوم قانون اساسی تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

۱. محمد هاشمی، پیشین، ص ۳۸۷.

۲. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷.

۳. اصل بیست‌وششم قانون اساسی.

۴. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ و آیین‌نامه اجرایی آن که مصوب ۱۳۶۱/۳/۳۰ می‌باشد در مورد نحوه تشکیل و فعالیت احزاب و انجمن‌ها به تصویب رسیده است.



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علیرغم بیان رسمیت دین اسلام و مذهب شیعه، برای غیرشیعیان نیز آزادی عقیده را پذیرفته است. بر این اساس مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کاملاند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب در حدود اختیارات شوراهای برطبق آن مذهب خواهد بود.<sup>۱</sup>

علاوه بر مسلمانان غیرشیعه، پیروان سایر ادیان آسمانی نیز از آزادی برخوردارند. مطابق قانون اساسی، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی نه تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند بلکه در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل می‌کنند.<sup>۲</sup> مطابق اصل چهاردهم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. البته این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

### ۳-۲. آزادی بیان

بیان عقیده و اندیشه، چهره بیرونی و اجتماعی اعتقاد و اندیشه بوده و از لوازم آن به‌شمار می‌رود. با این وجود و سخن از آزادی فکر و اندیشه بدون پذیرش آزادی بیان سخنی نادرست است. در این مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و چهارم به بیان آزادی بیان در نشریات و مطبوعات به شرط عدم اخلاق به مبانی اسلام یا حقوق عمومی<sup>۳</sup> و آزادی بیان و نشر افکار در رادیو و تلویزیون با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور<sup>۴</sup> اشاره کرده است. بیان اندیشه و عقیده به دلیل بروز بیرونی که دارد ممکن است با نظم عمومی و اخلاق حسنه و باورهای ناب اسلامی مواجه شود و از این رو می‌تواند در نظارت قانون قرار گیرد.<sup>۵</sup>

۱. اصل دوازدهم قانون اساسی.

۲. اصل سیزدهم قانون اساسی.

۳. ماده (۶) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ - قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰.

۴. اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی.

۵. قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ - قانون خطمشی کلی و اصول برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷.

### ۳. آزادی‌های سیاسی

آزادی سیاسی شامل هر نوع فعالیتی می‌شود که بر سرنوشت سیاسی جامعه تأثیر می‌گذارد. از این رو برخی از آزادی‌های مدنی همچون تشکیل انجمن‌ها و احزاب، اجتماعات و راهپیمایی‌ها، مطبوعات که با انگیزه سیاسی صورت می‌گیرد و می‌تواند بر سرنوشت سیاسی جامعه تأثیر گذارد، از مصادیق آزادی سیاسی به‌شمار می‌آید. در این بخش به دو مورد از مصادیق بارز آزادی‌های سیاسی - آزادی انتخاب و آزادی نظارت - اشاره می‌شود.

#### ۳-۱. آزادی انتخاب

آزادی انتخاب شامل آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن است. این آزادی ریشه در حق تعیین سرنوشت دارد. مطابق اصل پنجاه و ششم قانون اساسی «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد». مطابق این اصل حقی که مردم در اداره امور جامعه و انتخاب زمامداران دارند ناشی از حاکمیت الهی است. از این رو علیرغم برخورداری مردم از آزادی در زمینه تعیین سرنوشت خود و انتخاب زمامداران، اما اعمال و اجرای حق ناشی از این آزادی را باید در چارچوب شرایطی که خداوند معین کرده صورت دهند. از این جهت قانون اساسی ضمن محترم شمردن حق حاکمیت و آزادی سیاسی برای مردم، رعایت موازین اسلامی را در انتخاب زمامداران، اداره امور کشور و سایر ابعاد حاکمیت لازم دانسته است. در اسلام هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم شود و این در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه است. با توجه به این مبنا قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری گردد که این تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود.<sup>۱</sup>

با توجه به بند «۸» اصل سوم قانون اساسی، دولت باید تمامی امکانات خود را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به کار برد. اصل ششم نیز مقرر داشته که: در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود. انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها از راه همه‌پرسی است.

۱. مقدمه قانون اساسی.



مطابق قانون اساسی، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است،<sup>۱</sup> مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد،<sup>۲</sup> رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود،<sup>۳</sup> شوراها ده، بخش، شهر و شهرستان توسط مردم انتخاب می‌شوند.<sup>۴</sup>

## ۲-۳. آزادی نظارت بر حکومت

مردم و حکومت در قبال یکدیگر مسئولند. همان‌طور که دولت وظیفه دارد امنیت، نظم و عدالت را در جامعه برقرار ساخته و بستر رشد و تکامل مردم را فراهم سازد، مردم نیز موظفند حکومت را برای تحقق اهداف عالی خود یاری رسانند. یاری مردم نسبت به حکومت صرفاً در قالب اطاعت نیست، بلکه از جمله کمک‌هایی که از سوی مردم نسبت به حکومت صورت می‌گیرد نظارت بر عملکرد حکومت و انتقاد از نقاط ضعف و پشتیبانی و تقویت نقاط قوت آن است. نظارت مردم بر حکومت باعث می‌شود که حکومت همواره خود را در مقابل دیدگان بصیر مردمان خود دیده و از همین رو تمام اهتمام خود را برای تأمین حقوق و نیازهای مادی و معنوی مردم مصروف دارد. اصل هشتم قانون اساسی را می‌توان مهمترین اصل در زمینه بیان لزوم نظارت متقابل مردم و حکومت دانست. مطابق این اصل در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است. نظارت و امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به حکومت می‌تواند از طرق گوناگونی صورت پذیرد. از جمله: مطبوعات<sup>۵</sup> و رسانه‌های گروهی،<sup>۶</sup> احزاب و تشکیلات سیاسی،<sup>۷</sup> اجتماعات و راهپیمایی‌ها.<sup>۸</sup>

قانون اساسی برای تضمین آزادی‌های مشروع مردم تمهیداتی را در نظر گرفته است. اصول زیر از آن جمله می‌باشند:

اصل یکصد و شصت و هشتم: رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و

۱. اصل یکصد و هفتم قانون اساسی.

۲. اصل شصت و دوم قانون اساسی.

۳. اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی.

۴. اصل صدم قانون اساسی.

۵. اصل بیست و چهارم قانون اساسی.

۶. اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی.

۷. اصل بیست و ششم قانون اساسی.

۸. اصل بیست و هفتم قانون اساسی.

تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.

**اصل هفتادونهم:** برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

**اصل بیست‌وپنجم:** بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

**اصل سی‌وششم:** حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد.

**اصل یکصد و شصت و پنجم:** محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

**اصل سی‌ودوم:** داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به‌خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

**اصل سی‌وپنجم:** در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

قانون اساسی علاوه بر اصول مذکور با تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم در اصول سوم، نوزدهم، بیستم، بیست‌ودوم، بیست‌وسوم، بیست‌وهشتم، بیست‌ونهم، سی‌ام و سی‌ویکم زمینه‌های بروز آگاهانه آزادی‌ها را مدنظر قرار داده است.

### ۳-۳. آزادی در سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز بیست‌ساله

علاوه بر قانون اساسی در اسناد بالادستی دیگر نیز به جایگاه و اهمیت آزادی توجه شده است. سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز بیست‌ساله از جمله این اسناد است. قانون اساسی چارچوب کلی برای تدوین قوانین و سیاست‌های کلی نظام است و این سیاست‌ها برای تحقق آرمان‌ها و اهداف وضع می‌شوند و پس از مجموعه آرمان‌ها قرار گرفته و حاوی اصولی هستند که آرمان‌ها را به مفاهیم اجرایی نزدیک می‌کنند.<sup>۱</sup> توجه به آزادی و تلاش جهت تأمین آزادی‌های مشروع از جمله

۱. بند «ا» مصوبه مورخه ۱۳۷۶/۱۰/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی.



مسائلی است که همواره در سیاست‌های نظام مورد اهتمام قرار گرفته است. در کنار این سیاست‌ها سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز از جمله اسناد بسیار معتبر و مهمی است که مسئولان کشور - چه در قوه مجریه یا مقننه - و در بخش‌های مختلف موظف شده‌اند گام به گام این سند را تعقیب کنند و به آن اهداف نزدیک شوند. مطابق این سند، جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز ویژگی‌هایی خواهد داشت. از جمله اینکه جامعه‌ای توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردمسالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی خواهد بود.

آزادی‌های مشروع که در این سند مورد توجه قرار گرفته، شامل آزادی‌هایی می‌شود که برخاسته از اراده و اختیار انسان بوده و مقید به چارچوب‌های شرعی و عقلی است. اهتمام به این آزادی‌ها و محترم شمردن آن و بسترسازی جهت ظهور و بروز این آزادی‌هاست که نظام جمهوری اسلامی ایران را برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت، برخوردار از سلامت، رفاه، دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردمسالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای خواهد کرد.<sup>۱</sup>

در سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز تدوین شده است. در این سیاست‌ها به تضمین حقوق مدنی و انسانی و دسترسی به فرصت‌های برابر برای افراد جامعه<sup>۲</sup> و احترام به نهادهای شدن حقوق معنوی افراد و تأمین حقوق قانونی اقوام و اقلیت‌ها مصرح در قانون اساسی، در چارچوب همگرایی و تقویت وفاق ملی،<sup>۳</sup> اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت،<sup>۴</sup> اصلاح و تقویت نظارتی و بازرسی در قوه قضائیه بر دستگاه‌های اجرایی و قضایی و نهادها<sup>۵</sup> مورد توجه قرار گرفته است که باعث مقابله با عوامل و موانع تحقق آزادی‌های مشروع شده و موجبات تضمین این آزادی‌ها را

۱. سند چشم‌انداز بیست‌ساله.

۲. همان، در بند «۹».

۳. همان، بند «۱۸».

۴. همان، بند «۹».

۵. همان، بند «۸».

فراهم خواهد کرد.

در سیاست‌های کلی نظام نیز تأمین آزادی‌های مشروع مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله:

- تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردمسالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن که در ماده (۱۱) سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار گرفته است.
- گسترش مالکیت در سطح عمومی مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، افزایش سطح عمومی اشتغال که در سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۵/۴/۱۰ مورد توجه قرار گرفته است و موجبات گسترده شدن آزادی کار و اشتغال برای مردم می‌شود.
- رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمام عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه، اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاستگذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها که در ماده (۴) و (۷) قسمت (ب) سیاست‌های کلی بخش تعاونی مورد اشاره قرار گرفته و باعث شده که با تأمین بیشتر آزادی‌های اقتصادی، عرصه فعالیت این نهادها گسترش یابد. بر این اساس نقش دولت از مالک بودن و مدیریت مستقیم این قبیل بنگاه‌های اقتصادی به سیاستگذاری و هدایت و نظارت، توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین‌المللی، آماده‌سازی بنگاه‌های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرآیند تدریجی و هدفمند تغییر می‌یابد<sup>۱</sup> و دولت با نظارت دقیق خود ضمن جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی، از ایجاد انحصار، توسط بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی نیز جلوگیری می‌کند<sup>۲</sup> تا بتواند اولاً عرصه آزادی برای فعالیت و رقابت فعالان اقتصادی فراهم آورد و ثانیاً با ممانعت از انحصار و سعی در متنوع کردن فعالان عرصه‌های گوناگون اقتصادی، زمینه‌های انتخاب آزاد مردم در تهیه و تأمین نیازهای گوناگون اقتصادی خود را فراهم آورد.

در زمینه مسائل فرهنگی نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام به سیاستگذاری کرده که در موارد متعددی بر آزادی‌های عمومی و لزوم برنامه‌ریزی و تأمین آن اشاره کرده است. موارد زیر از آن جمله می‌باشد:

- اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، مصوب ۱۴۹۹ جلسه مورخ ۱۳۶۷/۲/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی. این مصوبه در زمینه آزادی بیان حائز اهمیت است. هدف این مصوبه اعتلای فرهنگ، ارتقای سطح دانش و تعمیق مبانی و ارزش‌های انقلاب با تأمین آزادی نشر کتاب، حفظ

۱. قسمت (ج) سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵/۴/۱۰.

۲. از طریق تنظیم و تصویب قوانین و مقررات که در بند «۲» و «۳» قسمت (ه) سیاست‌های کلی اصل چهارم.



حرمت و حریت قلم، حراست از جایگاه والای علم و اندیشه و تضمین آزادی تفکر در جامعه اسلامی.<sup>۱</sup> مطابق ماده (۳) این مصوبه کتب و نشریات طبق اصل بیست و چهارم قانون اساسی در بیان مطالب آزادند و دولت و همه ارکان حکومت موظفند که براساس قانون از حریم آزادی کتب و نشریات مجاز حمایت کنند و همچنین تلاش برای افزایش آگاهی‌های دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، هنری، تاریخی، اجتماعی و نظایر آن در سطح عموم و انتشار کتاب و نشریه به این منظور از حقوق افراد ملت است و هیچ مقام رسمی و غیررسمی نمی‌تواند با اعمال فشار انتشار یا عدم انتشار کتب و نشریات مجاز را باعث شود.<sup>۲</sup>

در این مصوبه ضمن تأکید بر لزوم آزادی بیان و آزادی نشر کتاب به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی بیان، محدودیت‌هایی نیز در نظر گرفته شده است.

مطابق قسمت (ب) این مصوبه نشر کتاب همان‌گونه که ممکن است مظهر و نمودی از آزادی‌های اجتماعی و انسانی تلقی گردد، چه‌بسا که مورد سوءاستفاده و اشاعه لابی‌گری فکری و اخلال در حقوق عمومی قرار گیرد. از این جهت مسئولین دستگاه‌های ذیصلاح موظفند به‌منظور مقابله با جوانب منفی، حدود و ضوابط قانونی نشر کتاب را مورد توجه قرار دهند و فضای سالم و سازنده طبع و نشر کتاب را حفظ و حراست نمایند.

- اصول سیاست فرهنگی کشور، مصوب ۲۸۸ جلسه مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی: قسمت (ب) این مصوبه تسهیل و تقویت امور برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی فرهنگی در عین حمایت از تعدد، تنوع و آزادی فعالیت‌های فرهنگی مردمی، مبادله و رابطه فرهنگی میان بخش‌های دولتی و غیردولتی در جهت افزایش تحرک، جهاد و اجتهاد فرهنگی، ارتقای دانش و آگاهی عمومی و اعتلای روحیه، تتبع، تحقیق و ابتکار را از جمله اهداف سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برشمرده است.

- سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات، مصوب ۴۸۰ جلسه مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی: در این مصوبه با اشاره به اینکه مطبوعات در کشور ما به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی، مدافع و نشردهنده ارزش‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی محسوب می‌شوند، ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات امکان‌پذیر دانسته شده و بر این مهم تأکید شده که فعالیت آزاد مطبوعات در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سازنده و جهت‌دهنده افکار عمومی می‌باشد.

- سند نقشه جامع علمی کشور، مصوب ۶۹۷ جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ شورای عالی انقلاب

۱. ماده (۱) اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب.

۲. بند «۳» ماده (۳)، همان.

فرهنگی: در فصل اول این مصوبه ارزش‌های بنیادین و الگوی نظری نقشه جامع علمی کشور بیان شده و بر کرامت انسان با تکیه بر فطرت حقیقت‌جو، عقل‌گرا، علم‌طلب و آزادی و نیز آزاداندیشی و تبادل آرا و تضارب افکار (جدال احسن) اشاره شده است.<sup>۱</sup> همچنین تعمیق و گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی همراه با تقویت اخلاق و آزاداندیشی و روحیه خلاقیت در آحاد جامعه به‌ویژه نسل جوان از اهداف کلان نظام علم و فناوری کشور دانسته شده<sup>۲</sup> و گسترش فضای تولید علم و فکر با حمایت از کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی و کانون‌های تفکر و مناظرات علمی مبتنی بر جدال احسن و نقدپذیری عالمانه از جمله راهبردهای ملی تحقق این امر به‌شمار آمده است.<sup>۳</sup>

### نتیجه‌گیری

جایگاه ممتاز و اهمیت آزادی در زندگی فردی و اجتماعی انسان امری انکارناپذیر است، ولی وجود تفاوت‌های بنیادین بین نظریه‌پردازان در اصل مفهوم و چارچوب آزادی باعث بروز تفاوت‌هایی در عرصه گوناگون قانونگذاری و سیاستگذاری شده است. با این توجه جمع‌بندی مباحث این گزارش را می‌توان به‌شرح زیر بیان کرد:

۱. براساس نظریه غربی که متأثر از نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی آنهاست، انسان و اختیار او محور قانونگذاری‌ها و سیاستگذاری‌ها خواهد بود. از این رو قاعده‌ای به‌دست می‌آید که آزادی عبارت از رهایی مطلق انسان است. در این نظریه با مفروض دانستن این اصل، آزادی افراد محدود به آزادی دیگران دانسته شده است. از این جهت که انسان تا جایی آزاد است که مزاحم آزادی دیگران نباشد. در این نظریه، آزادی کمال انسان دانسته شده و تحقق آن در تمامی عرصه‌های فردی، مدنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سعادت او به‌شمار آمده است.

۲. از نظر اسلام، آزادی موهبت الهی است که از زمره ارزش‌های بنیادین انسان دانسته شده و سخن از آزادی انسان بدون توجه به ارتباط او با خود و خدای خودش و جهان هستی امکانپذیر نیست.

- آزادی در دو بُعد مثبت و منفی مطرح شده است. بُعد منفی آن ناظر بر فقدان موانع بر سر راه حرکت و رشد بوده و بُعد مثبت آن لزوم فراهم بودن زمینه‌ها و به‌کارگیری اراده و اختیار و حرکت فرد برای تحقق آزادی است.

۱. بند «۴» و «۵» قسمت اول فصل اول.

۲. بند «۳» قسمت دوم فصل دوم.

۳. بند «۵» قسمت دوم فصل دوم.



- براساس این نظر آزادی در دو سطح درونی و بیرونی در نظر گرفته شده است. آزادی درونی که آن را آزادی معنوی نیز می‌نامند، رهایی انسان از قیود و بندهایی است که او را برده خود می‌سازد. آزادی سطح بیرونی ناظر بر روابط افراد با یکدیگر است. به‌موجب این آزادی هیچ‌کس حق ندارد دیگری را برده و اسیر خود سازد یا خود را اسیر و برده و بنده دیگری کند.

- در اسلام اختیار و آزادی ریشه در فطرت دارد که پیش از اجتماع در متن خلقت به انسان داده شده است.

- آزادی برای انسان کمال وسیله‌ای است نه هدفی. هدف انسان به‌دست آوردن آزادی نیست، هرچند او باید آزاد باشد تا به کمالات خویش برسد.

- آزادی انسان مطلق نیست و محدودیت‌هایی دارد که موارد زیر از جمله محدودیت‌های آن به‌شمار می‌روند. مانند: حق توحید، آزادی توأم با انسانیت و مسئولیت و عقلانیت، مصالح، منافع و حقوق دیگران و نیز مصالح فردی می‌باشند.

۳. در سیاستگذاری نظام جمهوری اسلامی ایران، انواع آزادی‌ها مورد توجه قرار گرفته که موارد زیر از آن جمله می‌باشد:

الف) آزادی‌های فردی از جمله: آزادی حق حیات، آزادی اقامت، آزادی رفت‌وآمد، آزادی مسکن، آزادی افراد در حریم خصوصی، آزادی حق مالکیت، آزادی کسب و پیشه و آزادی رفتار.

ب) آزادی‌های مدنی از جمله: آزادی احزاب، انجمن‌ها و اجتماعات، آزادی اندیشه و تفکر، آزادی اقلیت‌های دینی، آزادی قلم و بیان.

ج) آزادی‌های سیاسی از جمله: آزادی انتخاب، آزادی نظارت بر حکومت، آزادی احزاب.

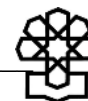
ازسویی برای روشن شدن جایگاه و نقش و ابعاد گوناگون آزادی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی در مسیر تکامل و سعادت و نیز تبیین تکالیف حکومت جهت تأمین هرچه بیشتر آزادی‌های افراد در جامعه و در چارچوب تعالیم اسلام، قانون اساسی، سیاست‌های نظام و منظومه فکری نظام جمهوری اسلامی ایران در باب آزادی تدوین شود. در تدوین این منظومه، مجموعه اقدامات و پژوهش‌های زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. مفهوم و جایگاه آزادی در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)،
۲. شاخص‌های آزادی در حکومت نبوی، علوی و مهدوی،
۳. هدف از آزادی در اسلام و فرهنگ اسلامی،
۴. جایگاه آزادی در رشد اندیشه فردی و تفکر اجتماعی،
۵. جایگاه آزادی در تعلیم و تربیت و تعالی انسان،

۶. جایگاه آزادی در سیاستگذاری و قانونگذاری،
۷. جایگاه آزادی در فرهنگ و تمدن،
۸. شاخص‌های ارزیابی آزادی از دیدگاه اسلام،
۹. شاخص‌های ارزیابی آزادی در حوزه اعتقادات دینی،
۱۰. شاخص‌های ارزیابی آزادی در حوزه ارزش‌های اجتماعی،
۱۱. شاخص‌های ارزیابی آزادی در حوزه رفتارهای انسانی،
۱۲. شاخص‌های آزادی در حوزه حقوق و اقتصاد،
۱۳. شاخص‌های آزادی در حوزه حکومت،
۱۴. شاخص‌های آزادی در حوزه فرهنگ و تمدن،
۱۵. بایسته‌های تأمین آزادی از سوی حکومت،
۱۶. مقدمات لازم برای تحقق آزادی آگاهانه در جامعه سیاسی،
۱۷. شاخص‌های تحقق آزادی در جامعه سیاسی،
۱۸. جایگاه و محدودیت‌های آزادی در فضای مجازی،
۱۹. موانع آزادی در جامعه حکومتی،
۲۰. اصلاح برداشت‌های ناتمام از مفهوم آزادی،
۲۱. بایسته‌های تقویت اندیشه آزادی و آزادگی در رسانه‌ها،
۲۲. ضرورت تقویت کرسی‌های آزاداندیشی.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ هـ ق، ج ۲.
۴. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ هـ ق، ج ۲.
۵. ابن منظور، لسان العرب، الدار المصریه للتألیف و الترجمة - القاهرة، ج ۴.
۶. ارسطو، سیاست، ترجمه شیخ الاسلامی، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۳۸.
۷. اسحاقی، سیدحسین. آزادی در اسلام و غرب، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۴.
۸. اصفهانی، راغب. المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ هـ ق.
۹. افلاطون، جمهور، فواد روحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
۱۰. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۸، ج ۴.
۱۱. امام خمینی (ره)، رساله اجتهاد و تقلید، قم، دارالفکر، ۱۳۸۲.
۱۲. امام خمینی (ره)، طلب و اراده، ترجمه سیداحمد فهری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۶۱.



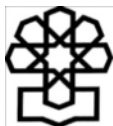
۱۳. امام خمینی (ره)، الرسائل، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۴۳.
۱۴. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سوم، تهران، زمستان ۱۳۷۹، ج ۱۴.
۱۵. انصاری، شیخ مرتضی. فوائد الاصول، قم، انتشارات مصطفوی، ۱۳۷۴.
۱۶. آربلاستر، آنتونی. ظهور و سقوط لیبرالیسم، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۷.
۱۷. برلین، آیزایا. چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۸.
۱۸. برلین، آیزایا. در جستجوی آزادی، رامین جهانگل، نشر گفتار، ۱۳۷۱.
۱۹. پلامناتز، جان. فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل، حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۶۷.
۲۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶.
۲۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
۲۲. جعفری، محمدتقی. حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹.
۲۳. جوادی آملی، عبد... . تسینم، اسراء، چ اول، شهریور ۱۳۸۰، ج ۳.
۲۴. جوادی آملی، عبد... . تفسیر انسان به انسان، اسراء، چ سوم، ۱۳۸۶.
۲۵. جوادی آملی، عبد... . حق و تکلیف در اسلام، اسراء، قم، اردیبهشت ۱۳۸۵.
۲۶. جوادی آملی، عبد... . زن در آینه جلال و جمال، رجاء، چ ۴، ۱۳۷۴.
۲۷. جوادی آملی، عبد... . فلسفه حقوق بشر، اسراء، قم، چاپ ۵، فروردین ۱۳۸۶.
۲۸. جوادی آملی، عبد... . ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، نشر اسراء، ۱۳۷۹.
۲۹. جوادی آملی، عبد... . حیات حقیقی انسان در قرآن، اسراء، قم، چ اول، فروردین ۱۳۸۲.
۳۰. جونز، وت. خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶، ج ۲.
۳۱. حائری، عبدالهادی. آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.
۳۲. حرانی، ابن شعبه. تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۱.
۳۳. دهخدا، علی‌اکبر. لغتنامه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۱.
۳۴. رازی، فخرالدین محمد. المباحث المشرقیه، مکتبه الاسدی، ۱۳۴۵، ج ۲.
۳۵. راولز، جان. عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳.
۳۶. روسو، ژان ژاک. قرارداد اجتماعی، مرتضی کلانتریان، آگه، تهران، ۱۳۸۰.
۳۷. سایت دفتر مقام معظم رهبری به نشانی: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).
۳۸. سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی به نشانی: [www.iranculture.org](http://www.iranculture.org).
۳۹. سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام به نشانی: [www.maslehat.ir](http://www.maslehat.ir).
۴۰. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی: [www.majlis.ir](http://www.majlis.ir).
۴۱. سند چشم‌انداز بیست‌ساله.
۴۲. سید ابن طاووس، کشف المحجبه، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۴۳. سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴۴. شریعتی، سعید. حقوق ملت و دولت در قانون اساسی، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۴.
۴۵. شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه. اعتقادات الامامیه و تصحیح الاعتقاد، انتشارات کنگره شیخ مفید، ۱۳۸۱، ج ۱.

۴۶. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، بیروت، مؤسسه الاعلمی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ هـ ق، ج ۴.
۴۷. شیخ طوسی، محمدبن حسن. التهذیب، نشر صدوق، ۱۴۱۸ هـ ق، ج ۱۰.
۴۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۴۹. طباطبایی، محمدحسین. تفسیر المیزان (فارسی)، موسوی همدانی سید محمدباقر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴، ج ۱۶.
۵۰. طبرسی، احمدبن علی. الاحتجاج علی اهل اللجاج، انتشارات مرتضی، ۱۴۰۹ هـ ق.
۵۱. طبری، محمد بن جریر. تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۸۷۹ م، ج ۵.
۵۲. طریحی، فخرالدین. مجمع البحرین، احمد اشکوری حسینی، ناشر: مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ج ۳.
۵۳. طوسی، خواجه نصیرالدین. اخلاق ناصری، مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۶.
۵۴. طوسی، خواجه نصیرالدین. کشف المراد، شرح تجرید الاعتقاد، ترجمه ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامی، چ سوم، ۱۳۹۷ هـ ق.
۵۵. عالم، عبدالرحمن. بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
۵۶. عالم، عبدالرحمن. تاریخ فلسفه سیاسی غرب، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ج ۲.
۵۷. عاملی، شیخ حر. وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۱۶.
۵۸. عبدالقادر عوده، التشريع الجنائی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، الجزء الاول، طبع الرابع، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۰۵.
۵۹. عمید زنجانی، عباسعلی. فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳، ج ۲.
۶۰. عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۹، ج ۱.
۶۱. فارابی، ابونصر محمد. التنبيه علی سبیل السعادة، سیدجعفر آل یاسین، تهران، حکمت، ۱۴۱۲ هـ ق.
۶۲. فارابی، ابونصر محمد. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی، طهوری، تهران، ۱۳۶۱.
۶۳. فارابی، ابونصر محمد. فصول منتزعه، تحقیق فوزی متری نجار، بیروت، دارالمشرق، ۱۴۰۲ هـ ق.
۶۴. فتال نیشابوری، محمدبن حسن. روضة الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا، ج ۲.
۶۵. فرهنگ معین، انتشارات زرین نگارستان کتاب، ۱۳۸۲، ج ۲.
۶۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۶۷. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.
۶۸. قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۶۹. قانون فعالیت احزاب و نیز آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی.
۷۰. قانون مبارزه با مواد مخدر.
۷۱. قانون مجازات اسلامی.
۷۲. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران.
۷۳. قانون مطبوعات.
۷۴. قدردان قراملکی، محمدحسن. آزادی در فقه و حدود آن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۲.
۷۵. قریشی، علی اکبر. تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۶، ج ۷.
۷۶. قمی، شیخ عباس. سفینه البحار، چاپخانه علمی، نجف، ۱۳۵۲، ج ۲.
۷۷. کاپلستون، فردریک. تاریخ فلسفه، از فیثه تا نیچه، ترجمه داریوش آشوری، ص ۱۸۶، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، ج ۷.



۷۸. کاتوزیان، ناصر و همکاران. آزادی اندیشه و بیان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۷۹. کاتوزیان، ناصر. مبانی حقوق عمومی، دادگستر، ۱۳۷۷.
۸۰. کرزن، ویکتور. مهرداد جوانبخت، فرهنگ گزیده آرای اندیشمندان، اتریات کتاب، اصفهان، ۱۳۷۶.
۸۱. کرنستون، موریس. تحلیل نوین از آزادی، ترجمه جلال الدین اعلم، سپهر، تهران، ۱۳۵۹.
۸۲. کوهن، کارل. دمکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳.
۸۳. کوئین، آنتونی. فلاسفه سیاسی، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، نشر بین‌المللی هدی، ۱۳۷۱.
۸۴. کلینی، محمد. اصول کافی دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵، ج ۲.
۸۵. گلن، تیندر. تفکر سیاسی، ترجمه محمود صدری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۸۶. گورویچ، ژرژ. جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسان، ترجمه حسن حبیبی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۴، ج ۲.
۸۷. لاریجانی، محمدجواد. خط قرمز آزادی، نشریه فلسفه، کلام، عرفان، اندیشه حوزه، ۱۳۸۱، ش ۳۷.
۸۸. لاک، جان. آزادی فرد و قدرت دولت، ترجمه دکتر محمود صناعتی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۸۹. لاک، جان. رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
۹۰. مجتهد شبستری، محمد. آزادی و ایمان، مجله ایران فردا، ش ۲۷.
۹۱. مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۴۷.
۹۲. محمودی، سیدعلی. عدالت و آزادی، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۶.
۹۳. محمودی، سیدعلی. نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۹۴. مدنی، جلال‌الدین. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، سروش، تهران، ج ۷.
۹۵. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱.
۹۶. مصباح یزدی، محمدتقی. معارف قرآن، انتشارات در راه حق، چ دوم، بهار ۱۳۶۸.
۹۷. مطهری، مرتضی. اخلاق جنسی در اسلام و غرب، صدرا، ۱۳۷۹.
۹۸. مطهری، مرتضی. آزادی معنوی، صدرا، ۱۳۸۰.
۹۹. مطهری، مرتضی. آشنایی با قرآن، صدرا، ۱۳۸۲، ج ۳.
۱۰۰. مطهری، مرتضی. پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، ۱۳۷۰.
۱۰۱. مطهری، مرتضی. جامعه و تاریخ، صدرا، ۱۳۷۹.
۱۰۲. مطهری، مرتضی. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، صدرا، ۱۳۷۶.
۱۰۳. مطهری، مرتضی. انسان کامل، صدرا، چ چهارم، تابستان ۱۳۶۹.
۱۰۴. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، صدرا، ۱۳۷۶، ج ۱۳.
۱۰۵. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴، ج ۲۲.
۱۰۶. ملاصدرا، صدر المتألهین. الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰، ج ۹.
۱۰۷. منتسکیو، شارل دو. روح القوانين، علی‌اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۰۸. موحد، محمدعلی. در هوای حق و عدالت، نشر کارنامه، تهران، ۱۳۸۱.
۱۰۹. میراحمدی، منصور. آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام، قم، ۱۳۸۱.

۱۱۰. میل، جان استوارت. رساله‌ای درباره آزادی، جواد شیخ‌الاسلامی، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۳.
۱۱۱. نائینی، محمدحسین. تنبیه الامه و تنزیه المله، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۹.
۱۱۲. نجفی، شیخ محمدحسن. جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، بهار ۱۳۶۲، ج ۴۱.
۱۱۳. نویمان، فرانتس. آزادی، قدرت و قانون، عزت‌ا... فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۱۴. نهج‌الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، انتشارات دنیای دانش، ۱۳۸۱.
۱۱۵. ولنکستر، لین. خداوندان اندیشه سیاسی، علی رامین، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ج ۳.
۱۱۶. هابز، توماس. لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۸۰.
۱۱۷. هابز، لاک، میل، آزادی فرد و قدرت، ترجمه محمود صناعی، تهران، هرمس، ۱۳۷۹.
۱۱۸. هارت، هربرت. مفهوم قانون، محمد راسخ، نشر نی، ۱۳۹۰.
۱۱۹. هاشمی، محمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، میزان، ۱۳۸۵، ج ۱.
۱۲۰. هاشمی، محمد. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، ۱۳۸۴.
121. The new shorter oxford English dictionary, edition 1993, p 1023 , 1578
122. In philosophical review, vol, 76, tim gror, Ibid, p11-14 Mac callum (1967)  
"Negative and positive freedom."



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۲۶۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مسئله آزادی در سیاستگذاری نظام اسلامی

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: محسن داوری

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. آزادی

۲. اسلام

۳. قانون اساسی

۴. سیاست‌های نظام

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۸/۱